

# نمونه امضای اعضای هیأت دولت

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش.

(۹)

علی کریمیان

در قسمت علمی نیز روابط ما فوق‌العاده گسترده بود و در تمام دانشگاههای آلمان دانشجویان ایرانی مشغول تحصیل بودند... محسن رئیس هنگامی که سفیر ایران در آلمان بود، با دختر عبدالحسین میرزافرمانفرما ازدواج کرد، منوچهر فرمانفرمایان برادر همسرش در کتاب خاطرات خود، تحت عنوان «خون و نفت خاطرات یک شاهزاده ایرانی» در این باره می‌نویسد: [مهری] در ازدواجش با محسن خان خودش هیچ دخالتی نداشت، چنانچه ازدواج همه خواهران بزرگترم نیز چنین بود، اما در مورد مهری، مراسم ازدواج بدون حضور داماد صورت گرفت. هنگام نامزدی، او به سفارت آلمان منصوب شده بود. پس از مراسم عروسی، که در آن استاد مربوطه را وکیل محسن خان از طرف او امضا کرد، مهری بدون آن که هیچ تصویری از شوهرش داشته یا قبلاً از مرزهای ایران پا بیرون گذاشته باشد، چمدانهایش را بست و به شوهرش در برلین ملحق شد... وی در زمان سفارت ایران در آلمان در دو اجلاس مجامع عمومی جامعه ملل در ژوئن - ژوئیه ۱۹۳۶م/ تیر - مرداد ۱۳۱۵ ش. و سپتامبر - اکتبر ۱۹۳۶م/ مهر - آبان ۱۳۱۵ ش. (نوبت دوم) عضو هیأت رئیسه، هیأت نمایندگی ایران بود.

رئیس در سمت سفارت ایران در آلمان زمینه تدریس فریتس ولف (Fritz Wolff) دانشمند آلمانی را در ایران فراهم کرد. او کتاب مفصلی دربارهٔ واژه‌ها و نامهای خاص شاهنامهٔ فردوسی به نام **فهرست لغتهای شاهنامه**، به انضمام یک کتاب دیگر به نام **متمم فرهنگ نامبرده**، به زبان آلمانی، برای جشن هزارهٔ فردوسی تألیف کرده بود، تألیف و آن را با مساعدتهای وزارت خارجهٔ آلمان و مجمع اعانة علوم در آلمان به چاپ رسانده بود، قبل از این که به ایران بیاید، درگذشت. رئیس در این باره، در

۱۳۸ - رئیس، محسن

محسن رئیس فرزند حسن رئیس (ظهیرالملک) در سال ۱۲۷۵ ش. در تهران به دنیا آمد. او پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه ایران و آلمان در تهران به پایان رسانید و از سال ۱۲۹۵ ش. وارد خدمت وزارت امورخارجه و چند سالی در مرکز مشغول به کار شد. سپس به سمت دبیر دوم سفارت ایران در سوئیس منصوب شد، در کشور مزبور تحصیلات عالی خود را در رشته حقوق، و در دانشگاه ژنو، به پایان رسانید، و بعد از آن مشاغل زیر را در وزارت امورخارجه احراز کرد:

ریاست اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه - رایزن و کاردار ایران در پاریس - نمایندهٔ ایران در کنگرهٔ بین‌المللی پست و تلگراف در مادرید - ریاست اداره چهارم سیاسی وزارت امورخارجه (عهد و جامعهٔ ملل) - وزیر مختار ایران در لاهه بود.

اولین ماموریت مستقلی که در خارج به او واگذار شد، سفارت ایران در برلن بود که از خرداد ۱۳۱۴ تا شهریور ۱۳۱۶ ش. سفیر ایران در آلمان بود در این زمان هیتلر رئیس جمهور آلمان و حزب نازی قدرت را در دست داشت. صنعت آلمان نیز روزبه‌روز در حال ترقی بود. محسن رئیس در این باره می‌نویسد: «در آن موقع روابط ما با آلمان فوق‌العاده گسترده بود. در زمینهٔ بازرگانی و تجارت، فعالیت وسیعی داشتیم. برخی از تجار بزرگ ایران در هامبورگ مقیم بودند و معاملات به صورت پایاپای بود. یعنی آنچه ما می‌فروختیم در بانک مرکزی آلمان منعکس می‌شد و آنچه آلمانها به ما می‌فروختند در بانک مرکزی ایران ثبت می‌شد و بعد این پولها پایاپای می‌شد.

ویژه‌نامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، در روزنامه رستاخیز، می‌نویسد: «یادم هست یک بار در برلن در دفتر کارم نشسته بودم که پروفیسور ولف، از اساتید مشهور آلمانی و البته قدیم ایران، در حالی که سه جلد کتاب قطور به همراه داشت، یک جلد از کتابها، زیباتر و مزین‌تر بود، پروفیسور ولف، ضمن اشاره به این کتاب گفت این کتاب برای اعلیحضرت ...، دو جلد دیگر یکی به نام آقای فروغی و یکی برای خود شما و کتابخانه سفارت است.

این کتاب یکی از نفیس‌ترین کتابهایی بود که تا آن روز به فارسی و آلمانی نوشته شده بود، به نام فرهنگ لغات شاهنامه ... ظرف بیست یا سی سال، مثل خود فردوسی، نشسته بود و دانه، دانه لغات شاهنامه را بررسی کرده بود، منشأ آنها و معنای متفاوت آنها را جمع‌آوری کرده بود. کار بسیار جالب و پرازشی بود. اما خود پروفیسور به نظر می‌رسید که وضع جالبی ندارد. کمی آشفته و نگران می‌نمود، و البته این آشفتنی به دلیل آن بود که چون از نژاد یهود بود، در آلمان نازی، زیاد جایی نداشت ... فکر کردم و ضمن تشکر، بابت کتابهایی که اهدا کرده پرسیدم، اگر در دانشگاه تهران، کرسی ادبیات قدیم ایران به شما محول گردد، قبول می‌کنید و حاضرید به ایران بروید؟

پروفیسور ولف دستش را روی چشمش گذاشت و آهسته گفت: این عنایت شما را روی چشم می‌گذارم ... پروفیسور رفت و من فوراً دو جلد کتاب تقدیمی را به تهران فرستادم و ضمناً اظهار کردم که من با پروفیسور ولف چنین صحبتی کرده‌ام، مراتب را به عرض اعلیحضرت برسانید و راهنمایی نمایید.

چند روز بعد جواب رسید که مراتب به شرف عرض رسید فرموده‌اند: فوراً دستور بدهید وسایل حرکت این پروفیسور را به تهران فراهم کنند. در تهران نیز خانه، وسایل زندگی و حقوق مکفی برایش تأمین شود که با خیال راحت مشغول خدمت شود ... بلافاصله علی‌اکبر متین دفتری - برادر دکتر متین دفتری - را که منشی اول سفارت بود فرستادم به منزل پروفیسور ولف که بگوید برای رفتن به ایران آماده شود ... ولی بعد از دو، سه ساعت با ناراحتی برگشت و گفت: پروفیسور ولف در بستر بیماری است وقتی امریه را به او اطلاع دادم ... گفت: گمان نمی‌کنم که بتوانم از این بستر برخیزم و همین طور هم شد، یعنی دو سه هفته بعد، خبر آوردند که پروفیسور ولف به درود زندگی گفته است ...».

سپس رئیس کمی قبل از شروع جنگ جهانی دوم به تهران برگشت، و در وزارت امور خارجه با سمت مدیرکل امور سیاسی مشغول کار شد. چندی نگذشت که علی‌سپهلی، وزیر امور خارجه وقت، از کار برکنار شد. از ۲۳ تیر ۱۳۱۷ ش. سرپرستی وزارت فرهنگ موقتاً به دکتر سیدولی‌الله نصر و سرپرستی وزارت امور خارجه به محسن رئیس سپرده شد، او از آبان ۱۳۱۷ تا مرداد ۱۳۲۰ ش. سفیر ایران در رومانی بود، ولی در این موقع روابط سیاسی بین ایران و رومانی، به علت وقوع جنگ، قطع شد.

از آن پس از مرداد ۱۳۲۰ تا ۱۰ فروردین ۱۳۲۱ ش. - که مناسبات سیاسی بین ایران و فرانسه قطع شد وزیر مختار ایران در نزد دولت فرانسه

ویشی بود - پس از آن محسن رئیس به ایران بازگشت و در کابینه قوام‌السلطنه از یکم بهمن عهده‌دار وزارت پست و تلگراف و تلفن شد. رئیس از تیر ۱۳۲۲ تا ۴ آذر ۱۳۲۳ ش. سفیر ایران در عراق بود، در این تاریخ به وزارت امور خارجه منصوب و نامه ذیل خطاب به وی به بغداد ارسال شد:

بغداد، نمره ۱۸۷۹، [تاریخ] ۲۳/۹/۴ [۱۳] ش.

جناب آقای رئیس وزیر مختار ایران - حضرت آقای نخست‌وزیر شما را در کابینه خود برای پست وزارت خارجه در نظر گرفته‌اند و در این موضوع مفصلاً با من مذاکره و تقاضا فرمودند تغییر ناپذیر بودن تصمیم ایشان را قبلاً به شما اطلاع دهم من هم محظورات شما را که ناشی از وضعیت و نداشتن وسایل زندگانی در تهران و عدم اطمینان به آتیه می‌باشد شرح دهم. در مقابل در هریک فرمایشاتی فرمود که مرا قانع کردند بنابر چون عمارت وزارت خارجه برای محل اقامت شما مهیا است، صلاح می‌دانم به محض وصول امر ایشان فوراً حرکت نمایند زیرا تردید و یا تاخیر تأثیر نامطلوبی دارد و به طوری که آقای نخست‌وزیر صریحاً فرمودند [در صورت] استنکاف از قبیل این پیشنهاد ماموریت فعلی هم باید صرف‌نظر کنید. تقی نبوی [امضاء] ۲۳/۹/۳ [۱۳]

و خود نخست‌وزیر به محسن رئیس می‌نویسد: «همان طوری که آقای نبوی به جناب عالی نوشته‌اند برای وزارت خارجه در نظر گرفته [شده‌اید] و حضور اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی هم معرفی شدید، امیدوارم قبولی خود را فوراً اطلاع دهید، هرچه زودتر حرکت فرمایید.» سپس به ایران بازگشت و از ۱۴ آذرماه ۱۳۲۳ تا ۱۷ آذر ۱۳۲۴ ش. در کابینه مرتضی قلی بیات وزیر امور خارجه بود. در این تاریخ نصرالله انتظام به جای وی به وزارت امور خارجه منصوب شد.

از ۲۳ مردادماه تا ۱۹ اسفند ۱۳۲۹ ش. وزارت امور خارجه را، در کابینه رزم‌آرا، برعهده داشت. رئیس از مهرماه ۱۳۳۲ تا دی ماه ۱۳۳۶ ش. به سفیر کبیری ایران در فرانسه منصوب شد. او در این منصب جهت بسط و توسعه روابط فرهنگی ایران و فرانسه دو سازمان در آن جا به وجود آورد: سازمان اول - «سازمان مطالعات ایران» و سازمان دوم - «انجمن ایران و فرانسه» بود. سازمان مطالعات ایران، اغلب کنفرانسها را ترتیب می‌داد و از شخصیت‌های علمی معروف دعوت می‌کرد تا درباره ایران سخنرانی کنند. انجمن ایران و فرانسه نیز اغلب نمایش‌ها و سخنرانی‌هایی ترتیب می‌داد که علاوه بر دانشمندان و اهل علم و ادب، دیگر مردم هم می‌توانستند در آن مجالس شرکت کنند.

تعداد اعضای این دو سازمان ۵۰۰ نفر بود که ۳۵۰ نفر آنها در انجمن ایران و فرانسه عضویت داشتند، و در زمان رئیس تصمیم گرفته شد که در انجمن با هم همکاری بیشتری داشته باشند، و سازمان متمرکزی تشکیل دهند. در زمان رئیس تعداد دانشجویان ایران در فرانسه یازده نفر و تعداد اتباع ایران در فرانسه ۷۰۰۰ نفر بود.

همچنین در زمان سفارت رئیس در فرانسه، سفارت ایران در پاریس یک نشریه دو هفته‌گی به مسؤولیت ایران تیمورتاش - دختر عبدالحمین

تیمورتاش - چاپ و منتشر می‌کرد. این نشریه با جلد اعلا و در ۳۰ صفحه چاپ می‌شد، برای کلیه روزنامه‌ها، صاحبان صنایع و تجار علاقه‌مند به ایران ارسال می‌گردید. روی جلد این نشریه همیشه یک منظره از ایران چاپ می‌شد.

محسن رئیس، پس از بازگشت از فرانسه، به استانداری آذربایجان منصوب شد. او تا ۳۰ مهر ۱۳۳۷ ش. در این سمت باقی بود. در این تاریخ احکام بازنشستگی هفتاد و دو نفر از اعضای وزارت امور خارجه صادر شد. افراد سرشناسی از جمله: حسین علاء (وزیر دربار)، محسن رئیس (استاندار آذربایجان) و محمود صلاحی (سفیر کبیر سابق ایران در عربستان سعودی) که همه جزو کادر سیاسی وزارت امور خارجه بودند.

پس از چندی محسن رئیس مجدداً به کار دعوت شد. از اردیبهشت ۱۳۳۹ تا تیر ۱۳۴۰ ش. به عنوان سفیر کبیر ایران در هلند، و از مرداد ۱۳۴۱ تا فروردین ۱۳۴۲ ش. به سمت سفیر کبیر ایران در فرانسه منصوب شد و از ۱۷ تیر ۱۳۴۳ ش. نیز استاندار تهران شد. وی همچنین در دوره‌های ۴-۵ - ۶ مجلس سنا، سناتور انتصابی از حوزه همدان بود. رئیس در دوره چهارم مجلس سنا از ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۳ ش. به جای عمادالدین سزاوار سناتور همدان که فوت شده بود منصوب و تا ۱۲ مهر ۱۳۴۶ سناتور بود. در دوره پنجم از ۱۴ مهر ۱۳۴۶ تا ۹ شهریور ۱۳۵۰ (که مجلسین، به موجب فرمان شاه، ۲۴ مرداد ۱۳۵۰، از تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۰ منحل شدند) و در دوره ششم از ۹ شهریور تا ۱۶ شهریور ۱۳۴۵ ش. و در دوره هفتم از ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ تا پیروزی انقلاب اسلامی، سناتور بود.

رئیس در دوره چهارم مجلس سنا، در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور پیشنهادهای ذیل را مطرح کرد، که به کمیسیونهای مربوطه ارجاع گردید:

«... درآمد ملی عمده‌ای مانند نفت داریم ... [که] در سال گذشته [۱۳۴۳ ش.] در حدود پانصد میلیون دلار بود (که مبلغ کمی نیست) امسال از آن مبلغ هم فزونی خواهد بود به اضافه پذیره معتابیهی در حدود ۱۸۰ میلیون دلار که دولت وعده صریح داده است آن را با قسمت عمرانی و تولیدی بودجه ۱۳۴۴ منحصر به مصارف تولید و عمرانی کشور برساند.

متها (و مطالبی که می‌خواهم امروز یادآور شوم این است) برای این که وسایل بیشتری برای ترقی کشور و حصول هدفهای ملی که منظور نظر عالی ... است داشته باشیم نباید به منابعی که فعلاً در اختیار داریم قناعت کنیم، بلکه شایسته است عاجلاً در مقام آن باشیم که درآمدهای سرشار دیگری غیر از نفت که به اصطلاح بازده سریع هم داشته باشد بدست آوریم. زیرا منبع نفت اگرچه سرشار است ولی چشمه لایزال نیست پس باید، از طرفی، عواید حاصله از آن را با صرفه‌جویی کامل به مصارفی برسانیم که هم نسل حاضر متمتع شود و هم نسلهای آینده از آن برخوردار شوند و از طرف دیگر، متوجه منابع دیگر بشویم که در ردیف نفت بتواند درآمد سرشاری برای کشور حاصل کند.

عقیده‌مندم که اگر سه کار یعنی سه صنعت عظیم که خوشبختانه مصالح

اولیه و آسایش در ایران بطور رایگان و به حداکثری موجود است وجهه همت و سرلوحه اقدامات دولت در همین سال قرار داده شود، و بطور شایسته و با تجهیزات کافی از آنها بهره‌برداری شود، عوایدی به دست خواهد آمد که کم از نفت نخواهد بود. این سه کار عبارتست از:

اول - صنعت، یا بهتر بگوییم صنایع پتروشیمی، که مقام مهمی را در دنیای امروز حایز شده از گازهای نفت سرشاری که در کانهای نفت جنوب به حد وفور وجود دارد و امروزه مناسفانه به هدر می‌رود و یا در درون چاههای بلااستفاده می‌ماند، به ضمیمه فضولات نفت خام می‌توان فرآورده‌های گوناگون برای مصرف داخلی و صدور به خارج تهیه کرد، و با کود شیمیایی، که از آن حاصل می‌شود، کشاورزی را رونق شایان داد. به علاوه می‌توان از آن به منظور تولید نیروی برق که اساس ترقی اقتصاد صنعتی و روستایی کشور است و تأمین سوختهای صنعتی و خانگی استفاده نمود. چنانکه کشور هلند، که در سالهای اخیر به کشف منابع گاز دست یافته، علاوه بر استفاده‌های گوناگون داخلی، در پی صدور آن به آلمان غربی برای صنایع ناحیه روهر است.

دوم - شیلات جنوب است: خوشبختانه خلیج فارس از حیث تنوع و وفور ماهی از غنی‌ترین دریاهای جهان است و چنانچه دستگاه مجهزی مستقل و با شرکت کشورهایی که بازار عمده مصرف ماهی دارند به وجود آید علاوه بر این که مصرف داخلی را از لحاظ تغذیه مردم و کود و خوراک دام به حد معتابیهی تأمین خواهد کرد یک منبع بزرگ صادراتی نیز خواهد شد که عواید حاصله از آن سرشار خواهد بود ...

سوم - توریسم: این هم منبعی است که هم حایز فواید بزرگ معنوی است و هم مادی. جای بسی خوشوقتی است که سال گذشته تشکیل سازمانی به نام «سازمان جلب سیاحان» در این جا به تصویب رسید. کاش به جای نام «سازمان جلب سیاحان» که عنوانی خوش‌نما نیست عنوان «سازمان ملی جهانگردی ایران» اختیار می‌شد که هم مناسب‌تر و زیباتر است و هم با عنوانی که کشورهای توریستی به چنین سازمانی می‌دهند، و فی‌الحقیقه عنوان عمومی شده است، مطابقت دارد. به هر صورت محل خوشوقتی است که مرکز مستقل تحت‌نظر نخست‌وزیر و برای این کار به وجود آمده است.

واجب آن است که این سازمان از هر جهت مجهز شود و وسایل اجرای وظیفه کامل چنین کاری بزرگی از توانایی سازمان فعلی ما به تنهایی خارج است باید تمام وزارتخانه‌ها و مقامات کشور، تحت‌نظارت عالی و توجه مخصوص نخست‌وزیر، آنچه در قوه دارند به این سازمان کمک کنند تا کار به سامان برسد. به علاوه از لحاظ فنی از وجود کارشناسانی که تجربه کافی در امر تنظیم جهانگردی داشته باشند، استفاده شود. که این خود یک نکته لازم و بسیار مهمی است. البته در ایران کارهای زیادی شده که می‌تواند مورد استفاده سازمان ملی جهانگردی ایران قرار گیرد. به این معنی که جاده‌های خوب در کشور ساخته شده (مانند جاده‌هایی که به دریای مازندران می‌رود، جاده تهران به غرب کشور، جاده اهواز - تهران، جاده

وزیر وقت پیسار

توسلی

وزیر سست و تلکراف و تلفن

توسلی

شک در عداد کشورهای مهم توریستی قرار خواهد گرفت و فواید زیادی عاید کشور خواهد شد.

ملاحظه می فرمایید، با این که وسایل فعلی ما کافی نبوده، معهدا، در همین سال گذشته ۱۲۷ هزار جهانگرد به ایران آمده و ۱۴ میلیون دلار یعنی معادل ۱۱۲ میلیون تومان ارز به کشور وارد کرده اند.

مطابق برآوردی که سازمان جهانگردی ایران نموده اگر مقدمات کافی فراهم شود، تا پنج سال آینده، تعداد جهانگردان به سیصد هزار نفر خواهد رسید، و ۴۰ میلیون دلار، یعنی معادل ۳۲۰ میلیون تومان، در سال از این بابت عاید کشور خواهد شد، و بعد هم رو به فزونی خواهد رفت. باید عرض کنم که خوشبختانه زمینه لازم توریسم در ایران هم مهیا است.

صیت شهرت آثار باستانی ما و شاهکارهای معماری و کاشی کاری و رنگ آمیزی مناظر طبیعی ایران به اکتاف عالم رسیده. به خاطر دارم چند ماه قبل که ژنرال دوگل - رئیس جمهور فرانسه به [ایران] ... آمدند و از آثار باستانی ایران دیدن فرمودند. در مراجعت به تهران اظهار داشتند که جایی مانند اصفهان داشته باشد حتماً یکی از مراکز مهم توریستی جهان بشود. در ماموریت های عذیده ای هم که در خارج داشتم، مکرر آژانسهای بزرگ توریستی مراجعه می کردند و اظهار می داشتند تعداد بسیار زیادی

تهران - ساوه - اصفهان و اصفهان به شیراز). بعلاوه در چند مرکز مهم هتل های زیبا بنا شده، شبکه هوایی کشور گسترش یافته و به مراکز جهانگردی مانند اصفهان و شیراز متصل گردیده، ولی نواقص هم زیاد است و به جاده های توریستی، همچنین زیارتی، مخصوصاً راه بازرگان - تبریز، تبریز - تهران، تهران - مشهد، زاهدان - مشهد، باید توجه مخصوص بشود.

تسهیلات مخابراتی و گمرکی و گذرنامه ای و تحقیقات وسایل حمل و نقل مخصوصاً نسبت به گروه های دانشجویی فراهم گردد. دستگاه هایی برای راهنمایی سیاحان و زائرین ایجاد شود. از اجحافات دلالان و مغازه داران ... جلوگیری شود.

هتلها و مخصوصاً مهمانسراها و هتل های ارزان قیمت ... با غذای سالم و ارزان در راهها و مراکزی که مورد استفاده جهانگردان است ساخته و پرداخته شود، و در قیمت ها نظارت دقیق به عمل آید، زیرا باید در نظر داشت که جهانگردان همه از طبقه ثروتمند نیستند، بلکه اکثریت غالب آنها مردمان متوسطی هستند که با اندوخته بالنسبه محدود به جهانگردی می پردازند. استفاده ای که کشورهای توریستی جهان می کنند بیشتر از کمیت جهانگردان است تا از کیفیت آنها. اگر این مقدار فراهم شود کشور، بدون

جهانگرد به آنها مراجعه و اظهار میل می‌کنند که غیر از فرانسه و اسپانی و ایتالیا و یونان و ترکیه و لبنان از کشورهای دیگری هم دیدن کنند، و مخصوصاً ابزار اشتیاق به دیدار ایران می‌کردند.

پس زمینه خارجی برای آمدن جهانگرد به کشور فراهم است منتها به طوری که عرض کردم باید برای این کار کاملاً مجهز شویم، و مقدمات کار را در کشور، از هر حیث، فراهم سازیم. در این راه هر چه خرج شود بیهوده نخواهد بود و صد چندان عاید کشور خواهد گردید ...

### ۱۳۹ - سپهبدی، انوشیروان

انوشیروان سپهبدی در سال ۱۳۰۵ ق/ ۱۲۶۶ ش. در تهران به دنیا آمد. او ابتدا تحصیلات خود را در مدارس تهران آغاز کرد سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه علوم سیاسی رفت و در سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۲۸۶ ش. از مدرسه علوم سیاسی مشیرالدوله - دوره چهارم - فارغ‌التحصیل و به استخدام وزارت امور خارجه درآمد، بعد از یک سال از رمضان ۱۳۲۶ ق/ عقرب (آبان) ۱۲۸۷ ش. در وزارت امور خارجه به ثباتی اداره تحریرات انگلیس تعیین شد و در اواخر همین سال نشان طلای علمی دریافت کرد. سپس به اداره تحریرات روس - در وزارت خارجه - منتقل و از ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۷ ق/ ۳ جدی (دی) ۱۲۸۸ ش. به سمت منشی دوم اداره تحریرات روس تعیین گردید و بعد از آن در ۱۴ رجب ۱۳۲۸ ق/ ۲۹ سرطان (تیر) ۱۲۸۹ ش. به مترجمی دویم فرانسه در دارالترجمه وزارت امور خارجه منصوب گردید. و از آن پس به مأموریت‌های خارج از کشور اعزام شد. او در ابتدا در تاریخ ۱۷ ذی‌عده ۱۳۳۰ ق/ ۶ عقرب (آبان) ۱۲۹۱ ش. به عنوان منشی اول کنسولیاری ولادی قفقاز و سپس به نیابت دوم جنرال کنسولگری تفلیس تعیین و مأموریت او تا سال ۱۳۳۶ ق/ ۱۲۹۷ ش. در پست‌های گوناگون کنسولگری در ناحیه قفقاز ادامه داشت. و با پایان یافتن مأموریت وی در قفقاز به معاونت اداره تحریرات عثمانی منصوب شد و بعد از آن کارگزار هم‌مدان شد. متعاقب آن تا سال ۱۳۰۸ ش. پست‌های مختلف ذیل را به ترتیب: معاون کابینه [معاون دفتر وزارت امور خارجه]، مدیر کل اداره اطلاعات و تابعیت، رئیس اداره سوم سیاسی، رئیس اداره جامعه ملل، رئیس اداره تشریفات را در وزارت امور خارجه احراز کرد. و از آن پس مأموریت وی به عنوان وزیر مختار، سفیر و سفیرکبیر در سفارتخانه‌های ایران در کشورهای مختلف شروع شد.

سپهبدی از فروردین ۱۳۰۸ تا تیر ۱۳۱۲ ش. به وزیر مختاری ایران در بُرن (سوئیس) منصوب شد. وی هنگامی که در برن بود در ۹ دی ماه ۱۳۱۱ ش. همراه علی‌اکبر داور وزیر دادگستری، حسین علاء وزیر مختار سابق ایران در پاریس و نصرالله انتظام جهت شرکت در جلسات شورای جامعه ملل جهت رسیدگی به اختلافات ایران و انگلیس (قرارداد داری) اعزام شد و پس از پایان یافتن مأموریت بُرن از ۸ مرداد ۱۳۱۲ ش. تا آذر ماه همین سال به معاونت وزارت امور خارجه وقت - محمدعلی فروغی و بعد

از آنکه فروغی رئیس‌الوزرا شد به معاونت سیدباقر کاظمی - منصوب شد. و بعد از آن از آذر ۱۳۱۲ تا خرداد ۱۳۱۵ ش. وزیر مختار ایران در ایتالیا و وزیر مختار آکرو دیتنه وین شد و پس از اتمام مأموریت به همراه محمد ساعد و نصرالله انتظام جزو همراهان ولیعهد به تهران بازگشت. در این باره در یکی از اسناد آمده است:

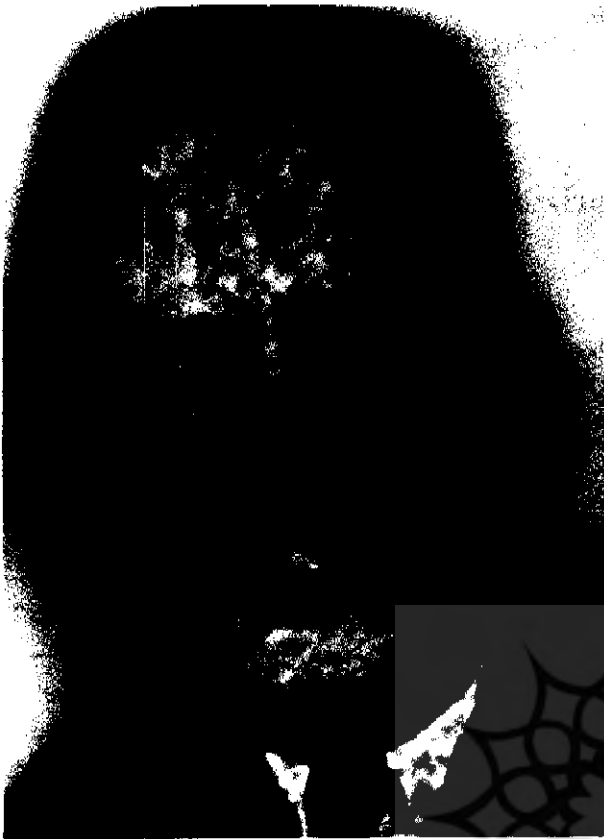
وزارت امور خارجه، اداره محاسبات، نمره ۸۷۱۶، تاریخ ۱۳/۲/۱۱۵۰ ش.

هیأت وزرا - به طوری که استحضار دارند جنابان آقایان سپهبدی و ساعد و آقای نصرالله انتظام - جزو ملتزمین رکاب... ولیعهد به تهران آمده‌اند، چون اعتبار خرج سفر مأمورین وزارت خارجه منظور در بودجه سال جاری به مناسبت نقل و انتقالاتی که حاصل شده در مضیقه است. مثنی است مقرر فرمایند مخارج مسافرت، ایاب و ذهاب و فوق‌العاده آقایان مزبور را که به شرح صورت ضمیمه بالغ بر ۶۸۴ لیر ایتالیایی و ۹۲۵/۵۵ فرانک سوئیس و ۱۲۵۲۴ فرانک فرانسه و ۴۱۱۵ ریال است بدون مطالبه سند خرج مقطوعاً از محل اعتبار دولت کارسازی شود. وزیر امور خارجه - عنایت‌الله سمیعی - و هیأت وزرا در جلسه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ ش. پیشنهاد بالا را از تصویب گذرانند. اما سپهبدی با فاصله کمی پس از ورود به ایران به سفارت ایران در شوروی تعیین و از خرداد ۱۳۱۵ تا فروردین ۱۳۱۷ ش. به آن کشور رفت. و چون چند سال روابط ایران و فرانسه در پی چاپ مقاله‌ای - در ۱۸ دی ماه ۱۳۱۵ ش. در یکی از روزنامه‌های فرانسوی علیه ایران، روابط سیاسی بین دو کشور به کلی قطع و وزیر مختار ایران (ابوالقاسم فروهر) احضار گردیده بود - پس از عذرخواهی رسمی دولت فرانسه روابط مجدداً برقرار و انوشیروان سپهبدی از سفارت ایران در شوروی احضار و در همان سال از خرداد ۱۳۱۸ تا مهر ۱۳۱۹ ش. به عنوان وزیر مختار ایران در فرانسه تعیین و عازم آن کشور شد. با اتمام مدت مأموریتش در فرانسه از آذر ۱۳۱۹ تا شهریور ۱۳۲۳ ش. سفیر کبیر ایران در ترکیه شد. او در زمان تصدی پست سفارت ایران در ترکیه از نخست وزیر تقاضای صدودهزار ریال فرش و نقره بدون سپردن پیمان ارزی کرد که در اسناد آمده است:

وزارت امور خارجه، اداره اقتصادیات، شماره ۲۴۱۴۸/۳۲۵۹، تاریخ ۱۳/۶/۱۲۰۰ ش.

ریاست وزیران - جناب آقای سپهبدی سفیرکبیر ایران در آنکارا تقاضا نموده بودند اجازه صدور مقداری فرش و نقره به ارزش ده هزار ریال بدون سپردن پیمان ارزی برای مصرف شخصی و هدیه داده شود. مراتب به وزارت دارایی، اداره کل گمرک اطلاع داده شد. اینک اداره کل نامبرده پاسخ می‌دهند، صدور کالا به عنوان هدیه بیش از دوست ریال موکول به سپردن پیمان ارزی [می‌باشد].

چون از قرار معلوم آقای سفیرکبیر ایران در آنکارا احتیاج به این اشیاء



امیر

وزیر امور خارجه

اسلامی

پس از ورود ایشان به تهران به اسناد که رسیدگی به عمل آمده معلوم شد ۷۶۸ دلار امریکایی بیشتر از مبلغی که برای ایشان حواله شده است، مصرف نموده‌اند و چون اوضاع و احوال در موقع مراجعت جناب آقای سبهیدی عادی نبوده است و هنوز جنگ باقی بود، بدیهی است، مصرف مبلغ بالا مقتضی بوده و قابل قبول می‌باشد و چون مقررات طوری است که اعتبار وزارت امور خارجه مبلغ مابه‌التفاوت پرداخت نشده، جناب آقای وزیر دارایی موافقت فرموده‌اند که این مبلغ از محل اعتبار سال ۱۳۲۴ دولت پرداخت گردد. طرح تصویبنامه به پیوست تقدیم می‌شود تا در هیأت وزیران مطرح و تصویب گردد. معاون کل وزارت خارجه - محمدعلی همایون جاه پیشنهاد فوق در جلسه تیرماه ۱۳۲۴ هیأت وزیران مطرح و به تصویب رسید. اما سبهیدی پس از بازگشت از ترکیه به عضویت هیأت اعزامی به انجمن سانفرانسیسکو انتخاب شد که روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۲۴ ش. از قبول این سمت استعفا داد، ولی چون عده هیأت تکمیل بود از انتخاب شخص دیگری خودداری شد.

سپس با تشکیل دولت محسن صدر، انوشیروان سبهیدی از روز سه‌شنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۴ تا مهر همان سال تصدی وزارت امور خارجه را در کابینه او داشت. و بعد از ساقط شدن کابینه صدر، سفارت ایران در

دارند، لهذا توجه فرمایند، تصویبنامه صدور این اشیاء بدون سپردن پیمان ارز از طرف هیأت وزیران صادر و نتیجه هم به وزارت امور خارجه اطلاع داده شود. از طرف وزیر امور خارجه - «حمید سیاح» که حسن مشرف‌نفسی وزیر دارایی وقت در جواب محمدعلی فروغی نخست وزیر؛ تقاضای سبهیدی را موکول به تصویبنامه هیأت وزیران می‌داند. سپس طرح تصویبنامه که قبلاً با موافقت وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد و بازرگانی تهیه گردیده بود، تقدیم هیأت وزیران گردیده و در جلسه ۲۸ مهر ماه ۱۳۲۰ به تصویب رسید، و پس از بازگشت سبهیدی از ترکیه تصویب شد، علاوه بر هزینه سفرش مبلغ ۷۶۸ دلار امریکایی بابت مطالبات سبهیدی به وی پرداخت شود و مکمل این مطلب نیز در یکی از اسناد چنین آمده است:

وزارت امور خارجه، اداره حسابداری، شماره ۱۱۶۴۸، تاریخ ۱۳۲۴/۴/۱۸ [ش.]

جناب آقای نخست وزیر - در موقع مراجعت جناب آقای انوشیروان سبهیدی سفیر کبیر سابق دولت شاهنشاهی ایران در ترکیه هزینه سفر ایشان طبق مقررات به گواهی بنگاه ایران تور پرداخت گردیده است.

پاریس در ۲۴ شهریور ۱۳۲۴ ش. به درجه سفارت کبری ارتقاء یافت و سپهبدی از آن تاریخ تا بهمن ماه ۱۳۲۴ ش. سفیر کبیر در فرانسه بود. وی با تشکیل کابینه احمد قوام به ایران بازگشت و از روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۲۴ تا ۱۰ مرداد ماه ۱۳۲۵ ش. وزیر دادگستری در کابینه قوام السلطنه بود. او پس از تصدی پست وزارت دادگستری بخشنامه ذیل در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۲۵ ش. منتشر کرد.

## بخشنامه

در این مدت کوتاهی که افتخار تصدی وزارت دادگستری را دارم پیوسته اوقات خود را مصروف مطالعه در طرز کار و استفاده از نظر اشخاص ذیصلاحیت و تحقیق نسبت به عدم رضایتهایی که از این دستگاه می شود نموده، سه امر زیر مورد نظر فوری واقع شد:

۱- لازم است کارها در سازمان اداری وزارت دادگستری مطابق قانون تشکیلات تقسیم شود، تا مطابق ترتیب انجام شده و مردم سرگردان نشوند.

۲- به طور کلی از طرف عموم کارکنان قضایی و اداری ابراز علاقه کامل نسبت به رفتن و رفتن امور و تسریع در حل اختلافات به عمل آید.

۳- لزوم تصفیه تشکیلات دادگستری و انتخاب و تشویق اشخاص صالح و لایق که با عشق و علاقه خاصی بتوانند به امور مردم رسیدگی کنند. محتاج به توضیح نیست که در بین دستگاههای عمومی کشور دادگستری به واسطه رابطه مستقیمی خود با جان و مال و ناموس مردم بیشتر احتیاج به اشخاص درست و لایق دارد تا بتواند در ضمن خدمات قضایی خود موفق به اصلاح جامعه نیز بشود.

برای رسیدگی به اصلاحات مورد نظر اقداماتی را که به عمل آمده ذیلاً توضیح می دهد:

نسبت به قسمت اول به طوری که در بخشنامه شماره ۲۳۳۳۳ مورخ ۲۴/۱۲/۲۱ که به انکاء قانون تشکیلات ۱۳۱۵ صادر شد وظایف عموم کارمندان اداری و نحوه کار آنها را گوشزد کرده و انتظار دارم برطبق آن رفتار شود.

در قسمت دوم انتظار دارم کارمندان صالح وزارت دادگستری که در حقیقت بهترین نمونه کارمندان صالح دستگاههای دولتی بوده و مظهر تقوی و شرافت نژاد ایرانی هستند در آتیه با دلگرمی و علاقه بیشتری نسبت به امور توجه داشته مطمئن باشند که زحمات و خدمات آنان مورد تکریم جامعه و تقدیر وزارت دادگستری خواهد بود.

اما قسمت سوم که امید است در ظل توجهات بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی هر چه زودتر به موقع اجرا گذارده شود و مهمترین قسمتهای برنامه رئیس محترم دولت را تشکیل می دهد، همانا تشویق درستکاران و مبارزه با نادرستی است که در این قسمت از هیچگونه سعی و کوشش کوتاهی نخواهد شد و در این زمینه تعلیمات لازم به مراجع و دوابر مربوطه داده شد که منتظماً عملیات کلیه عمال دادگستری را در نظر گرفته تا در

اسرع اوقات پاداش و مکافات لازم داده شود و برای همین منظور مراتب زیر به موقع عمل گذارده می شود.

۱- اقدامات مؤثر برای زود خاتمه یافتن دعاری و جلوگیری از سرگردانی مراجعین.

۲- رسیدگی کامل به شکایاتی که از دادگاهها و دادسراها و سایر مراجع می شود.

۳- حذف مشاغل غیر مفید و تشریفاتی و تبدیل آن به کارهایی که در تسریع امور مؤثر باشد.

۴- جلوگیری از اعمال نفوذ در کلیه تشکیلات قضایی و اداری دادگستری.

۵- جلوگیری از تغییرات و تبدیلات بی جهت اشخاص.

۶- سعی در بهبود زندگانی قضات.

برای اینکه نتیجه کار دوابر و محاکم و پارکها معلوم باشد به اداره فنی دستور داده شد که آمار کلیه دعاری اعم از مدنی و کیفری و کلیه امور مربوط به ادارات ثبت کل و تشکیلات سرپرستی و عموم دادگاههای اداری و اختصاص و غیر آن را همه ماهه مرتب کرده تا میزانی برای سنجش زحمات همکاران در دست باشد و همچنین طول مدت طرح هر دعوی در دادگستری و مراحل مختلف آن تعیین گردد.

همچنین دستور داده شد آمار تنظیمی ماهیانه طبع و در دسترس عموم گذارده شود و در نقاط مختلف کاخ دادگستری نیز الصاق گردد تا عامه مردم از طرز جریان و سیر، دعاری در دادگاهها و مراجع مختلف دادگستری مستحضر شوند به اضافه مقرر شد که صورت کلیه دعاری تمام شده تا آخر اسفند ۱۳۲۴ با قید تاریخ شروع آن تهیه و پس از بررسی علت طول مدت دادرسی معلوم گردد تا اگر تخلفاتی روی داده باشد مورد تعقیب واقع شود.

انتشار این آمار و مقایسه عملیات ماهیانه مراجع دادگستری وسیله مثبتی برای تشویق کارمندان صالح و فعال از طرف دولت و افکار عمومی خواهد بود.

در خاتمه امیدوارم کلیه همکاران محترم با این جانب توحید مساعی کرده تا بتوانیم، خدماتی که شایسته قوه قضائیه است به این آب و خاک بنماییم و از خداوند موفقیت همکاران عزیز خود را مسئلت می کنم.

وزیر دادگستری

سپس در ۲ خرداد ۱۳۲۵ ش. سه گزارش مفصل زیر را درباره وضعیت مادی و معنوی دستگاه قضایی کشور، اداره کل ثبت، اداره نظارت و احتیاجات آن و اقداماتی که به منظور بهبودی اوضاع دادگستری که در زمان تصدی وی بعمل آمده به شرح ذیل بیان داشت:

وزارت دادگستری، اداره حقوقی، شماره ۱۸۴۶/ح/۷۲۰۰، بتاريخ ۲ خرداد ۱۳۲۵ ش.

جناب آقای نخست وزیر - پس از تشریف فرمایی به کاخ دادگستری و

بازدید آن از نزدیک لازم دیدم وضعیت مادی و معنوی دستگاه قضایی کشور و احتیاجات آن و اقداماتی را که به منظور بهبود اوضاع در مدت کوتاه تصدی بنده به عمل آمده و یا در نظر است که بتدریج به عمل آید معروض داشته و مساعدت آن مقام محترم را که علاقمندی خاص به بسط عدالت و تأمین امنیت قضایی کشور دارند برای انجام مقاصد منظوره جلب نمایم.

وزارت دادگستری با این که تنها وزارتخانه ایست که از ابتدای حکومت مشروطه دارای قانون تشکیلات بوده و کلیه امور آن با قوانین و نظامات مربوطه انجام می گیرد، مع هذا دارای وضعیتی است که از نظر مادی و معنوی به اصلاحات زیادی احتیاج دارد و برای روشن شدن آن چگونگی در دو قسمت زیر به عرض می رسد:

### وضعیت مادی

۱- وضعیت مادی کارمندان این وزارتخانه از ابتدا مورد توجه واقع نشده در صورتی که تهیه وسایل مادی کارکنان هر مؤسسه رابطه مستقیم با اصلاحات معنوی آن مؤسسه دارد، زیرا صحت عمل و انجام وظیفه را از کارمندی می توان متوقع بود که زندگانی مادی آنان در رفاه بوده و فکرشان از این جهت راحت و آسوده باشد، و این منظور متأسفانه در دادگستری تأمین نشده از این قرار که بودجه تشکیلات دادگستری فعلاً در حدود ۷۰ میلیون ریال است که از این مبلغ ۴ میلیون آن هزینه پرسنلی است و باید به مصرف حقوق ۷۰۰ نفر کارمند قضایی و ۲۶۲۰ نفر کارمند اداری برسد. یعنی با این مبلغ جزئی مخارج تشکیلات حوزه وزارتی و دیوان کشور و هشت حوزه دادگاه استان و ۳۸ حوزه دادگاه شهرستان و دیوان کیفر و دادرهای آنها و ۷۷ حوزه دادگاه بخش و تشکیلات فرعی باید تأمین شود.

با مقایسه بودجه این وزارتخانه با بودجه وزارتخانه های دیگر و با مقایسه کارمندان آن با سایر کارمندان از حیث تعداد افراد و معلومات و اطلاعاتی که در خور کارمندان دادگستری است و وظیفه سنگین و مشکلی که عهده دار هستند و انتظاراتی که جامعه حقاً از آنان دارد بخوبی معلوم می شود توجه و عنایت لازم به دستگاه قضایی این کشور نشده به طوری که حقوق رئیس یا دادستان دیوان عالی کشور که حائز بالاترین موقعیت های کشور می باشند، ماهیانه با کمکی که کلیه کارمندان دولت برخوردارند ۸۳۰۰ ریال است، در صورتی که در وزارتخانه های دیگر ممکن است به یک عضو تازه کاری به عنوان کارمند قراردادی یا حکمی یا به عنوان دیگر همین مبلغ یا بیشتر داده شود.

حقوق قاضی رتبه یک که عهده دار امانت صلح است، در ماه مبلغ ۱۸۰۰ ریال است و با این مبلغ کم باید در دورترین نقاط کشور در مقابل انواع مصائب و ابتلاات و تهمت هایی که از نتایج شغل قضایی است زندگی و امرز معاش کرده و آبروی شخصی و اداری خود را حفظ نماید. حقوق مأمورین اجراء که عهده دار اجرای احکام قطعی و قرارهای

صادره از مقامات قضایی می باشند ماهیانه حداکثر ۱۳۵۰ ریال است که با گرانی فعلی جواب احتیاجات ضروری آنان را نمی دهد و قهراً موجب انحراف آنها از درستی و بی طرفی می گردد.

بنابر این بزرگترین قدم اصلاحی اصلاح امور مالی کارمندان قضایی و دایر وابسته به آنان است تا با آسودگی خاطر امور محوله را به درستی و صحت انجام دهند و به اهمیت نظر مقتضی است در نزدیکترین فرصت فکر اساسی برای جبران این قسمت بشود.

۲- کاخ دادگستری که در شرف اتمام و یکی از بناهای بزرگ کشور است و با زحمات و مخارج زیاد بنا شده و اسباب آبروی کشور می باشد، به طوری که روز تشریف فرمایی مشاهده فرمودند، به علت تصویب نشدن بودجه تاکنون نظیف و نگاهداری آن به طور شایسته انجام نشده و برای حفظ و نگاهداری آن همان طور که در موقع تشریف فرمایی وعده فرمودید تمنا دارد، مقرر فرمایند؛ مخارج آن که در ضمن بودجه سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ پیش بینی شده هر چه زودتر تصویب و تأدییه شود، تا از این حیث وضعیتی پیش نیاید که دچار پشیمانی بشویم. پیشنهادی هم در این خصوص به طور جداگانه به وزارت دارایی داده شده که تاکنون بدان ترتیب اثر داده نشده است.

۳- وضعیت عمارات دادگستری های مرکز استانها و شهرستانها و بخشها فوق العاده رقت بار است. در مراکز مزبوره دادگستری ها در خانه اجاره تشکیل می شود که آبرومند نبوده و هیچ تناسب با احتیاجات دادگستری ندارد و به علاوه وزارت دادگستری قادر به تأدییه اجاره همین محل های غیرمتناسب هم نمی باشد و در نتیجه شکایت صاحبان خانه ها و صدور حکم و اجرائیه به محکومیت دادگستری محظورات بزرگی پیش آمده که موضوع در نامه های متعدد و اخیراً به شماره ۱۷۱/۵۴ - ۲۵/۱۷ به عرض رسیده و چاره بیرون آمدن از این وضعیت به طوری که اخیراً در نظر گرفته شده و پیشنهاد آن به عرض خواهد رسید این است که تمام دادگستری های خارج از مرکز به تناسب احتیاج دارای عمارت مخصوص دولتی باشند که طبق نقشه این وزارتخانه ساخته شده باشد و تا رسیدن آن موقع نیز اعتبار بیشتری داده شود که دادگستری بتواند کرایه های منازل اجاری را بپردازد.

۴- علت این که بدو نسبت به ساختمان دادگستری مرکز و محل دادگستری شهرستانها اشاره شد این است که هر بیننده در اولین تماس با دادگستری با ساختمان آن مواجه می شود و خوب بودن و تمیز بودن ساختمانها طبعاً تأثیر بجایی در اشخاص خواهد داشت. که نایستی از آن صرف نظر نمود. والا وضعیت زندانها و حال زندانیان بدرجه رقت آور است که از توضیح و شرح آن حقیقتاً خجل هستم در این قسمت به هیچ وجه توجهی نشده است، تقریباً عمارت تمام زندانهای شهرستانها در بدترین بیفوله های تنگ و تاریک و مرطوب می باشد. وضعیت غذا و بهداشت این دسته از مردم سیه روز نیز خجالت آور است. وضع تربیت و اخلاق آنها هم قابل ذکر نیست و این زندانها را جز مدرسه تحصیل جرائم



که شاگردان آن در ماه و سال به چندین کلاس بالاتر ارتقاء می‌یابند، چیز دیگر نمی‌توان نام نهاد.

قسمت عمده این معایب بر اثر نبودن بودجه کافی است که حتی مراقبت و آوردن زندانیان را برای حضور در محاکم صالح مدت‌ها به تأخیر می‌اندازد و از طرف دیگر برخلاف اصول این زندانها زیر نظر شهرداریها است که بایستی به کلی مجزا شده و در زیر نظر دادگستریها قرار گیرد، که قضات صحیح و پاکدامن قبول مسئولیت کرده در عین حال که مراقبت کامل نسبت به بهداشت و تغذیه زندانی‌ها به عمل می‌آورند در قسمت روحیه آنها نیز تأثیر کرده و زندان مدرسه باشد که پس از خروج از آن زندانی سجاوی و ملکات روحیه خود را از دست داده و عضو مفید و سعادت‌مندی برای خود و جامعه بشود.

۵- از جمله احتیاجات ضروری وزارت دادگستری داشتن یک اداره طب قانونی با تمام لوازم کار می‌باشد این اداره فعلاً در مرکز بطور خیلی ناقص موجود می‌باشد که بایستی در تکمیل آن سعی کافی نمود که هر چه زودتر نواقص آن رفع شود و در ولایات چنین اداره وجود ندارد. این بود شمه از نواقص مالی که عرض شد.

## وضعیت معنوی

از نظر معنوی سه مورد زیر قابل توجه است:

ناقص بودن قوانین دادگستری و درهم بودن قوانین موجوده به طوری که برای مراجعه به قانونی و استناد به آن مدتی باید صرف وقت شود و مع هذا قانون مورد احتیاج بدست نیاید. مثلاً: ماده قانونی مربوط به امور کیفری ممکن است در ضمن قانون متمم بودجه یکی از سنوات قبل باشد و یا قانون مربوط به امور تشکیلاتی در ضمن قانونی مربوط به امور کیفری پیش‌بینی شده باشد و این وضعیت به بطور جریان کارها افزوده است.

۲- عدم وجود تشکیلات قضایی در تمام نقاط کشور به طوری که در تمام کشور فقط ۸ حوزه دادگاه استان وجود دارد و از این راه اصحاب دعاوی حقوقی و مخصوصاً متهمین جنایی در مضیق و گرفتاری بوده و عدالت به طور صحیح و سریع درباره آنان اجرا نمی‌شود، و همچنین غالب نقاط کشور که احتیاج به دادگاه شهرستان دارد از آن محروم و در اغلب نقاط حتی دادگاه بخش نیز وجود ندارد.

۳- وجود دادگاههای اختصاصی مختلف در دادگستری و حتی وزارتخانه‌های دیگر که اصولاً تشکیل این قبیل محاکم به منظور خاص بوده و خلاف اصل بی‌طرفی است که دولت در تشکیلات قضایی باید داشته باشد.

اصولاً در امور دادگستری دو قسم اصلاح مورد نظر می‌باشد یکی: اصلاحاتی که از حالا می‌شود شروع و انجام نمود، و دیگر: اصلاحاتی که باید با وضع قوانین انجام گیرد.

اصلاحاتی که فعلاً با وسایل موجوده به عمل آمده و ممکن است به عمل آید به قرار زیر به عرض می‌رسد:

در بدو امر با مطالعه مقدماتی برای این که چرخهای مختلف این دستگاه جریان عادی خود را پیدا کند به اتکاء قانون تشکیلات مصوب ۱۳۱۵ مبادرت به صدور بخشنامه ۹۲۵-۲۵/۱/۱۴ که رونوشت آن پیوست شده است نمودم تا این که کلیه دوایر و سازمانهای مختلف دادگستری در حدود قانون تشکیلات خود کارهای مرجوعه را انجام دهند.

با مطالعه که نسبت به طرز جریان کار دادگستری به عمل آمد معلوم شد، عمده شکایت مردم از بطور جریان کارها در دوایر مختلف قضایی است و برای این که نحوه کار دوایر مزبور معلوم شود و علت این بطور و کندی روشن گردد، به اداره فنی دستور داده شد که آمار کلیه دعاوی اعم از مدنی و کیفری و کلیه امور مربوطه به ادارات ثبت کل و تشکیلات سرپرستی و عموم دادگاههای اداری و اختصاصی و غیر آن را همه ماهه مرتب کرده تا میزانی برای سنجش کار اشخاص و طول مدت هر دعوی در مراحل مختلف دادگستری تعیین گردد و همچنین دستور داده شد آمار تنظیمی ماهیانه در مجموعه حقوقی طبع و در دسترس عموم گذارده شود و در نقاط مختلف کاخ دادگستری نیز الصاق گردد، تا عامه مردم از طرز جریان و سیر دعاوی در دادگاهها و مراجع مختلف دادگستری مستحضر باشند، و چون تاکنون به این قسمت عمل نمی‌شده و آماری که نمودار عمل ماهیانه قضات و سایر کارمندان قضایی باشد در دست نبود، برای این که میزان کارهای عقب افتاده تا اول فروردین ۱۳۲۵ معلوم باشد، دستور داده شد، صورت کلیه دعاوی تمام نشده توسط اداره فنی تعیین و با در نظر گرفتن تاریخ شروع این دعاوی علت طول مدت آن بررسی و تخلفات احتمالی نیز مورد تعقیب واقع شود. این کتابچه ضمیمه که شامل وضعیت دعاوی در اول سال ۱۳۲۵ می‌باشد از نظر محترم می‌گذرد.

یکی از استفاده‌های این آمار که بطور مثال عرض می‌شود این است که با مراجعه به آن معلوم می‌گردد که در اول سال ۱۳۲۵ قریب به بیست و پنج هزار پرونده کیفری در دادسرا و شعب بازپرسی تهران ناتمام باقی مانده و قریب به شش هزار و نهصد پرونده در شعب بازپرسی و دادسرای دیوان کیفر ناتمام داریم که این وضعیت لزوم توجه به این دو دستگاه و اصلاح آن را روشن می‌کند تا در آتی این تراکم روزافزون بیشتر نشده و جلوگیری از آن بشود. در این قسمت اداره نظارت مأموریت خواهد داشت که مطابق آماری که به دست داریم هر قسمت آن را تعقیب نموده و علت تأخیر کارها را معین و در صورتی که متخلفی در کار باشد، آن را مطابق مقررات به دادگاه انتظامی مربوط بفرستد. بدیهی است با جدیت تمادی در این کار بالطبع نتیجه مثبت بدست آمده از عده متخلفین کاسته شده و بر سرعت کار افزوده می‌شود.

نظر اصلاحی که برای این کار پیش‌بینی شده اضافه کردن شعب استنطاق در دادسرای دیوان کیفر و دادسرای شهرستان است و فعلاً چند شعبه موقتی اضافه شده ولی با تهیه اعتبار لازم بایستی شعب دائم اضافه گردد و همچنین برای بهبود سیر جریان دعاوی کیفری در نظر گرفته شده که هر یک از شعب استنطاق به کارهای مخصوص رسیدگی نمایند مثلاً

کارهای ناموسی در شعبه مخصوص و کارهای جنایی در شعبه دیگر و هر یک از امور به تناسب امر به شعبه مربوط ارجاع شود و با تغییراتی که در بعضی از پستهای حساس داده شده امید است که وضعیت جریان امور رو به بهبودی برود و متصدیان امر بتوانند با بی غرضی کامل کار کرده پیشنهادها و اصلاحی خود را تقدیم دارند که مورد تصویب و اجرا واقع شود. پیشرفت‌هایی که در قسمت دادسرای شهرستان و دیوان کیفر به عمل خواهد آمد در گزارش بعد به عرض خواهد رسید.

اصلاح معنوی دادگستری را به صرف اضافه کردن حقوق مستخدمین آن و تشویق کامل نمی‌توان انتظار داشت، بلکه در مقابل این اقدامات دیگری نیز لازم می‌باشد که به قرار ذیل معروض می‌دارد:

۱- اجرای اصل مجازات و تعقیب متخلفین که در این قسمت بایستی اداره نظارت که مرجع تعقیب تخلفات قضات و دادگاه عالی انتظامی که مرجع رسیدگی به تخلفات مزبور می‌باشد از هر حیث تقویت شود.

۲- یکی از نکات خیلی مهم که ارتباط کامل با اصلاح معنوی دستگاه دادگستری دارد همانا عدم ثبوت کارمندان قضایی و اعمال نفوذی است که در تغییر و تبدیل آنها از طرف دستجات و مقامات و اشخاص مختلف می‌شود که متأسفانه در دوره‌های مختلف غالباً وزرای دادگستری تحت تأثیر این نفوذها قرار می‌گرفته و از این راه ضربه بزرگی به استقلال و بی‌طرفی قضایی وارد می‌شده نکته که می‌توانم اطمینان بدهم این است که این جانب و همکاران نزدیکم به هیچ وجه مایل به ادامه این رویه نبوده و با احترامی که نسبت به مقام شامخ قضا داریم کوشش خواهیم نمود که این رویه متروک و کارمندان قضایی کشور به هیچ وجه تحت تأثیر هیچ گونه جریان جز حقیقت و عدالت واقع نشوند و فعلاً برای این منظور در نظر گرفته شده کمیسیونی مرکب از صاحب منصبان عالی رتبه وزارت دادگستری تشکیل شود تا امور مهمه و تغییر و تبدیل قضات در آن کمیسیون مطرح شود و به توجهات آن مقام منبع کادر ثابت قضایی در مملکت تشکیل و شایسته آن شود که تفسیر اصل ۸۲ قانون اساسی الغاء گردد و حکم وزارتی برای تشکیل کمیسیون بالا قریباً صادر خواهد شد.

۳- نکته دیگر جمع‌آوری قوانین پراکنده این کشور است و همانطور که در مقدمه معروض گردید در هر دوره زمانی به اقتضای وقت ماده از قانون ضمن دیگر تصویب شده و فعلاً کمتر کسی می‌تواند بگوید احاطه کامل به کلیه این قوانین دارد، از این جهت جدید خواهد شد که هر چه زودتر این قوانین پراکنده جمع‌آوری و چاپ بشود و آن قسمتی از قوانین هم که بایستی اصلاح شود در کمیسیون‌های مخصوص دقت شده و لوائح اصلاحی آن تنظیم و در موقع به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود.

۴- اصلاح کادر استخدامی این وزارتخانه که به واسطه وضع قوانین مختلف و پذیرفتن اشخاص با صلاحیت‌های غیرمتناسب کادر استخدامی این وزارت دچار هرج و مرج عجیبی شده و برای جبران آن لازم به نظر می‌رسد که در آینه صرفاً اشخاصی که دارای تحصیلات عالی حقوق و سجایا و ملکات لازم باشند برای خدمت پذیرفته شوند، و برای رعایت این



منظور در دوره کوتاه خدمت خود برای لیسانس‌های حقوق چه در قسمت استخدامی و چه در قسمت وکالت مزایایی را قائل شده‌ام و اگر در این قسمت پیشرفت حاصل شود، می‌توان در آینه امیدوار بود که اعضای تحصیل کرده و مناسب با زمان پیدا نمایم.

۵- امر دیگری که در موقع مقتضی بایستی حتماً اجرا شود محدود کردن و از بین بردن محاکم اختصاصی است که در وزارت دادگستری و سایر وزارتخانه‌ها تشکیل شده که جریان عدالت را از مجرای عمومی و طبیعی خود خارج کرده است.

۶- تأسیس دادگاههای پژوهش در نقاط مختلف کشور که فعلاً از این تشکیلات محروم هستند و از حیث جریان حقوقی و بالاخص جزایی اهالی آنجا در زحمت هستند از قبیل رشت - مازندران و غیره.

۷- تشکیل ادارات ثبت و دفاتر اسناد رسمی در تمام کشور و تهیه وسایل لازم که در کوتاه‌ترین مدتی تمام املاک به ثبت برسد.

۸- وضع قوانین و نظاماتی که شدیداً اعمال سردفتران و ادارات ثبت را کنترل کرده و از وقوع معاملات معارض جلوگیری کند. در این قسمت مطابق مقررات کنونی جدیدهای زیادی به عمل آمده که در نتیجه وضعیت این طبقه از هر حیث خیلی بهتر شده است.

۹- گماردن اشخاص مؤثر و ذی‌صلاحیت به پستهای حساس و کم کردن اعضای اداری و تشریفاتی وزارتخانه.

۱۰- اصلاح جامعه وکلاء که در این قسمت نیز قدمهایی تاکنون برداشته شده که از آن جمله الغاء محدودیت وکالت در تهران و موافقت با قبول لیسانس‌های حقوق برای وکالت می‌باشد.

۱۱- رعایت نظرات اکثریت وکلاء دادگستری در انتخاب کانون وکلاء.  
۱۲- اعزام بازرس به شهرستانها برای رسیدگی به قسمت‌های مختلف کلیه دوائر و مؤسسات دولتی که در این قسمت تاکنون اقدام و با بازرسی نخست وزیری هم کمک و همکاری نزدیک از این حیث شده است، به طوری که در دو ماه فروردین و اردیبهشت اسما ۱۸ نفر بازرس به شهرستانها اعزام شده در صورتی که در تمام سال ۱۳۲۴ بیست و سه نفر و در تمام سال ۱۳۲۳ بیست و شش نفر اعزام شده بود.

موضوع اقداماتی که در ثبت کل به عمل آمده و خواهد آمد چون حایز اهمیتی خاصی است، گزارش علی‌حده به عرض خواهد رسید. ولی عجاناً لازم می‌دانم در یک قسمت که مورد نظر خاص حضرت اشرف نیز هست مختصر توضیحی از گزارش اخیر عملیات اداره ثبت و بازرسیهای منحصر آن در پایین آوردن گزایه‌های اطاق‌نشین که فقیرترین مردم شهر هستند به عرض برسانم.

از تاریخ چهارم اردیبهشت تا ۲۶ آن ماه ۶۲۱۶ رأی در تعدیل اجاره بهای این قبیل اطاقها به وسیله بازرسان فوق به عمل آمده و مبلغ ۶۳۲۵۷۰ ریال از اجاره بهای این اشخاص فقیر کسر شده است و به عقیده بنده این اولین مرتبه است که دولت در این قسمت به وعده که داده هم سریع و هم بر طبق انصاف عمل نموده است و بازرسی این اشخاص هر روز مداومت دارد و باعث رضایت و رفاهیت واقعی عده زیادی را فراهم آورده و خودم که در اداره ثبت حضور داشتم خوشحالی این اشخاص فقیر را به چشم می‌دیدم که با یک آرزوی انتظار داشتند که بازرسان به خانه آنها بروند. امیدوارم با نیت پاک و توجه خاصی که حضرت اشرف عالی در کلیه امور مبذول می‌دارند آسودگی‌های بیشتری برای مردم فراهم آید.

موضوع دیگر که قابل توجه است بنگاهی است که به نام بنگاه صفار در نیمه دوم سال ۱۳۱۷ تأسیس گردیده این بنگاه به موجب آیین‌نامه هیأت وزیران مصوب ۱۳۱۶/۵/۱۳ راجع به دفتر محجورین و تحریر ترکه دادرسی تهران تشکیل شده و عواید آن بایستی از وجوه حاصل از ترکه متوفای بلاوارث و اموال مجهول‌المالک و ۱۴٪ درآمد موقوفات از محل معین در شق ۳ ماده ۴۵ آیین‌نامه اوقافی تأمین شود: بنگاه مزبور در ابتدای امر دست بنگاهداری و تربیت بیست طفل صغیر بی‌بضاعت گذاشت و به مرور به ۶۵ نفر رسید و حالیه عده صفار بنگاه در نتیجه نداشتن عایدی به ۳۲ نفر رسیده و در محلی که از وجه اعطایی همایونی در خیابان زاله ساخته شده، تحت مراقبت یک مدیر و عده لازم مستخدم نگاهداری می‌شوند. تمام هزینه اغذیه و لباس و لوازم تحصیلی و غیره آنها را بنگاه متحمل است و در دبستانی که به درخواست وزارت دادگستری از طرف

وزارت فرهنگ معین و معرفی شده تحصیل می‌نمایند. از صفار مزبور تا سن ۱۸ سال تمام پذیرایی می‌شود و پس از رسیدن به این سن از بنگاه خارج می‌شوند، و به جای آنان عده دیگری قبول می‌شود. آنچه تا به حال مشاهده شده این بنگاه از حیث تربیت اطفال مزبور خدمت بسزایی کرده و نتیجه خوبی گرفته شده به طوری که نمونه خوبی برای این گونه مؤسسات می‌باشد و چون از سال ۱۳۲۱ اداره اوقاف از دادن عایدی اوقافی که مقرر شده بود خودداری کرده و از وجوه حاصل از ترکه متوفای بلاوارث هم عایدی قابلی بدست نمی‌آمد و با اعانه که بعضی اوقات اشخاص خیر به این بنگاه می‌دادند کاری از پیش نمی‌رفت ناچار از وجوه سیرده اصحاب دعاوی که در صندوق دادگستری جمع شده بود، پنج میلیون ریال با سرد ۵٪ به بانک ملی ایران داده شده است که عواید آن به مصرف این بنگاه برسد و در سال حاضر هم پنج میلیون دیگر به همین طریق به بانک گذارده شده است تا بلکه بتوان این بنگاه را که عامل مؤثری در تربیت کودکان بی‌سرپرست و بی‌بضاعت است نگاهداری نمود. این بنده از حضرت اشرف مخصوصاً تمنا دارم که هر موقع مجال فرمودند به بنگاه مزبور تشریف‌فرما شده و از نزدیک آن را مشاهده فرمایند. و چنانچه مراتب معروضه کاملاً مورد تصدیق واقع شد بذل توجه مخصوصی نسبت به بودجه آن بفرمایند.

در خاتمه این نکته را لازم می‌دانم به عرض برسانم که اصلاح دادگستری اساساً با اصلاح سایر ادارات تفاوت کلی دارد و امری نیست که نتیجه آن را بتوان به فوریت و به صورت بارزی جلوه‌گر ساخت. زیرا تأثیر قطعی آن از کاهش تعداد دعاوی و کم شدن انواع جرایم و کوتاه شدن طول مدت محاکمه که اطلاع بر آنها به وسیله آمار دقیق عملیات دستگاه قضایی به مرور بدست می‌آید ظاهر می‌گردد.

وزیر دادگستری. امضا سهدی

و اما درباره اداره ثبت می‌نویسد:

وزارت دادگستری، شماره ۷۲۲۲، بتاريخ ۲ خرداد ۱۳۲۵ ش.

ادراه کل ثبت - گزارش شماره ۳۸۲۶ بتاريخ ۲۵/۲/۹ راجع به عملیات ادارات ثبت مرکز و شهرستانها حاکی است:

۱- در اول سال ۱۳۲۵ در اداره مال‌الاجاره‌ها ۷۷۲۸ پرونده ناتمام وجود داشته.

۲- در سال ۱۳۲۴ (ششماه اول) فقط ۲۴۳۶۳ اظهارنامه توزیع شده.

۳- در آخر شهریور ۱۳۲۴ مانده نیم عشر اجرایی ۱۵۷۲۳۵۰۵/۲۵ ریال بوده.

۴- قسمتی از اسناد مالکیت صادره به صاحبان املاک تسلیم نشده است. در هر یک از مراتب بالا چنانچه دقت شود معلوم می‌گردد که باید با وسایل موجود طرقی اتخاذ شود که حقوق مردم و دولت محفوظ مانده و تضییع نگردد، چه آن که وجود ۷۷۲۸ پرونده در اداره مال‌الاجاره‌ها که اصولاً باید رسیدگی و اتخاذ تصمیمات آن سریع باشد دلیل بر بطور جریان

امور مربوطه و رکود و تراکم کارها بوده و بالطبع موجبات عدم رضایت ارباب رجوع فراهم می‌گردد.

رقم اظهارنامه‌های توزیع شده ششماهه اول سال ۱۳۲۴ که ۲۰۸۱۹ فقره کمتر از اظهارنامه‌های توزیع شده ششماهه اول ۱۳۲۳ می‌باشد نشان می‌دهد که در سال ۱۳۲۴ ادارات ثبت چندان فعالیتی نکرده و به هر حال باید علت نقصان پیشرفت ثبت عمومی در سال مزبور روشن گردد.

رقم مانده نیم عشر اجرایی در آخر شهریور سال ۱۳۲۴ که متجاوز از ۱۵ میلیون ریال است نیز از هر حیث قابل ملاحظه می‌باشد و از لحاظ مراقبت در جمع‌آوری درآمد دولت و وصول و ایصال آن به خزانه عمومی باید همواره متصدیان امر مراقبت کامل به عمل آورند.

بسنابراین لازم است در مورد پرونده‌های تمام نشده در اداره مال‌الاجاره‌ها و همچنین نسبت به وصول مانده نیم عشر اجرایی دستورات اکید به ادارات ثبت صادر و در اجرای آن مراقبت تامه نموده و آخر هر ماه نتیجه را گزارش دهید. نسبت به کاهش اظهارنامه‌های توزیع شده سال ۱۳۲۴ نیز تحقیق و علت آن را اعلام نمایید. وزیر دادگستری

و درباره اداره نظارت نیز چنین یادآور می‌شوند:

وزارت دادگستری، شماره ۲۲۲۴، تاریخ ۱۳۲۵/۳/۲۱ ش.

اداره نظارت - آمار پرونده‌های تمام نشده دادگاهها و دادرهای مرکز در اول فروردین ۱۳۲۵ که به صورت ضمیمه شماره ۲۸۱ مجموعه حقوقی طبع و نشر شده نشان می‌دهد در غالب دادگاههای مدنی و کیفری و همچنین در دادرهای دیوان کیفر و دادرهای تهران و شعب بازپرسی مربوطه کارها متراکم است و جریان بعضی از امور حتی در مراحل اولیه چهار سال و پنج سال و گاهی در حدود بیست سال طول کشیده و هنوز نتیجه رسیدگی ظاهر نشده در دادرهای دیوان کیفر قریب شش هزار پرونده و در دادرهای شهرستان تهران در حدود ۲۴ هزار پرونده در اول سال موجود بوده که معلوم نیست چه وقت باید جریان آن خاتمه یابد و اشخاص ذی نفع از بلا تکلیفی خلاص می‌شوند این تراکم و بطور جریان در امور مدنی باعث تضییع وقت ارباب رجوع و متداعیین و در موارد کیفری موجب تجری بزحکاران و سلب امنیت اجتماعی است این وضعیت اسفناک قابل دوام نیست و نباید ادامه پذیرد و در این موقع که اصلاحاتی در مد نظر است و هر اداره در حدود وظایفی که دارد، باید کمال جدیت در پیشرفت دادن امور بنماید، همانطور که در قانون مصوب دیماه ۱۳۱۵ و آیین‌نامه اداره نظارت مقرر شده فعالیت آن اداره نباید منحصر به مواردی باشد که از ناحیه اصحاب دعوی از حیث تأخیر رسیدگی با مسامحه و تصور و اشتباه و تخلف قضات از قوانین یا اعمال نظر و غیره شکایاتی برسد، بلکه آن اداره موظف و مکلف است به طرز خودکار دائماً وضعیت کار دادگاهها و دادرها را مورد نظر دقیق قرار داده علل سوء جریان و تراکم و رکود دعاوی را کشف و همان طور که در آیین‌نامه مربوطه پیش‌بینی شده در جریان امور دادگاهها و دادرهای مرکز و استانها و

شهرستانها بدون شکایت شاکی نظارت و در تسریع جریان امور و تهیه زمینه‌های مقتضی و عملی برای جلوگیری از تراکم کارها اهتمام نموده و پیشنهادات لازمه بدهد البته پیشنهادات باید قابل اجرا باشد.

چون تراکم و رکود کارها در دواير قضایی مرکز نشان می‌دهد اداره نظارت به وظایف اساسی خود عمل نکرده است لازم است با مراجعه به آمار پرونده‌های تمام نشده دادگاهها و دادرهای مرکز فوراً بدون این که با اصول اداره معمولی بخواهید وظیفه قانونی خود را انجام دهید و مدتی اوقات اداری را صرف مطالبه پرونده‌ها و آوردن آن به اداره نظارت نمایید فوراً بازرسان قضایی مناسب را به دواير قضایی اعزام دارید که در دادگاهها و دادرها و دفاتر و بایگانی‌های مربوطه پرونده‌های معوقه را بررسی و علل رکود و تراکم کارها و تمام نشدن آنها را کشف و در صورت تخلف و مسامحه متصدیان امر را تعقیب نمایید و در عین حال با مشورت و همکاری رؤسای دادگاهها زمینه‌های عملی و مناسب برای تسریع جریان امور و رفع تراکم طرح و برای اجرای آن پیشنهاد و نتیجه اقدامات خود را هر هفته گزارش دهید. وزیر دادگستری

اما پس از ائتلاف حزب توده با حزب ایران در ۹ تیرماه ۱۳۲۵ ش، قوام‌السلطنه در تاریخ ۱۰ مرداد ماه ۱۳۲۵ ش. تجدید نظری در اعضای دولت قبلی خود به عمل آورد که چهار وزیر از اعضای ائتلاف حزب توده ایران در آن شرکت داشتند. این کابینه در روز دوشنبه ۱۲ مرداد ماه به شاه معرفی شد. که از حزب توده ایرج اسکندری به وزارت پیشه و هنر، دکتر مرتضی یزدی به وزارت بهداری، دکتر فریدون کشاورز به وزارت فرهنگ و الهیار صالح رهبر حزب ایران در کابینه جدید جانشین سپهبدی وزیر دادگستری پیشین شد و سپهبدی در کابینه ائتلافی به عنوان «وزیر مشاور» انتخاب و تا ۲۷ مهر ۱۳۲۵ ش. در این سمت بود. و زمانی که او وزیر مشاور بود هیأت دولت در جلسه سی‌ام مرداد ماه ۱۳۲۵ ش. تصویب کرد که برای حقوق و کمک به سپهبدی تا زمانی که در پست «وزیر مشاور» است از ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ ش. هر ماه ۱۳۷۶۲ ریال از محل اعتبارات این سال به وی پرداخت گردد، و سپهبدی تا ۲۷ مهر ۱۳۲۵ ش. وزیر مشاور در کابینه قوام بود و بعد از آن مجدداً به سفارت ایران در فرانسه منصوب و به پاریس رفت. وی در زمان تصدی سفارت، با اتومبیل تصادف و به شدت مجروح شد، به طوری که چهل روز در بیمارستان تحت معالجه بود، که برحسب دستور نخست وزیر وقت - احمد قوام - مقرر گردید که مبلغ پانصد هزار فرانک برای هزینه دارو و پزشک از محل اعتبارات این سال به وی پرداخت گردید و با تشکیل کابینه جدید قوام، سپهبدی مجدداً به ایران فراخوانده شد و از ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ تا ۱۹ شهریور ۱۳۲۶ ش. تصدی وزارت امور خارجه را به وی واگذار کرد.

سپهبدی پس از تشکیل مجلس سنا، در دوره اول جزو سنی سناتور انتصابی، و از حوزه تهران به مجلس راه یافت، از این رو وی از ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ ش. تا فروردین ۱۳۳۲ ش. که به سفارت ایران در مصر منصوب شد در مجلس سنا بود و مدتی نیز رئیس اداره تشریفات بود که در ۳۰ بهمن

۱۳۲۹ ش. استعفا کرد. همان طور که گفته شد وی قبل از انحلال مجلسین - ۲۸ آبان ۱۳۳۲ ش. - از فروردین ۱۳۳۲ تا ۳۰ آبان ۱۳۳۷ ش. سفیر کبیر ایران در مصر بود. از نکات مهم مأموریت وی، در این دوره، در ۲۷/ اسفند ۱۳۳۳ ش. در قاهره به مناسبت حادثه غزه به جمال عبدالناصر، نخست وزیر مصر تسلیم گفت، همچنین پس از مرگ شیخ عبدالله الفضل - سفیر عربستان سعودی - در مصر، سپهبدی از ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۶ ش. به مقام شیخ‌السفرای در قاهره نائل شد.

انوشیروان سپهبدی از مرداد ۱۳۴۱ ش. به سفارت ایران در واتیکان تعیین شد، او در ۲۰ مرداد ۱۳۴۱ ش. طی مراسم خاصی به حضور پاپ رسید و اعتبارنامه خود را تسلیم کرد و تا مرداد ۱۳۴۵ ش. سفیر ایران در واتیکان بود و با پایان یافتن مأموریتش بازنشسته شد. پس از آن بیشتر وقت خود را به مطالعه و معاشرت با چند تن از دوستانش از جمله: مورخ الدوله سپهر و سیدجلال‌الدین طهرانی می‌گذراند.

همچنین سپهبدی علاوه بر مأموریت در سفارتخانه بارها از طرف دولت ایران به عنوان دبیر، عضو هیأت مدیره یا رئیس هیأت ایرانی در اجلاس‌های عمومی سازمان ملل شرکت کرد:

دبیر عمومی در اجلاس مجمع عمومی - سپتامبر	۱۹۳۹ م.
عضو هیأت مدیره	۱۹۳۰ م.
" " " "	۱۹۳۱ م.
" " " "	۱۹۳۲ م.
رئیس - نمایندگی فوق‌العاده	۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ م.
رئیس - ایران در اجلاس فوق‌العاده	نوامبر ۱۹۳۴ م.
عضو - اجلاس مجمع عمومی اکس-تبر	۱۹۳۵ م.
رئیس	ژوئن ژوئیه ۱۹۳۶ م.
"	سپتامبر-اکتبر ۱۹۳۶ م.
"	(دوره دوم)
"	فوق‌العاده مجمع عمومی مه ۱۹۳۷ م.
عضو	سپتامبر ۱۹۳۷
"	۱۹۳۸

و در سال ۱۹۳۹ م. نیز به تنهایی در اجلاس عمومی سازمان ملل شرکت کرد.

#### ۱۴۰ - شادمان - سیدفخرالدین [دکتر]

سیدفخرالدین شادمان فرزند حاج‌سید ابوتراب در سال ۱۲۸۶ هـ ش در تهران به دنیا آمد. چون پدر فخرالدین روحانی بود به همین جهت به سفارش پدر تحصیلات اولیه را در زمینه علوم قدیمه آغاز کرد، و دوره مقدماتی زبان و ادبیات عرب و فقه و اصول را در مدارس میرزا صالح خان و خان سروی تهران در محضر اساتیدی چون آقای آقا سید محمود حیاط‌شاهی و آقای آقا شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی به پایان رساند؛

سپس برای ادامه تحصیل به مدارس جدید رفت و تحصیلاتش را در مدارس سرچشمه، کمال، تدین و مدرسه دارالفنون ادامه داد. بعد از اتمام تحصیل در مدارس نامبرده به مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) رفت و تحصیلاتش را در دارالمعلمین به سال ۱۳۰۴ و بعد دوره مدرسه حقوق تهران را در سال ۱۳۰۶ به پایان برد و موفق به اخذ لیسانس حقوق گردید. او در ضمن تحصیل مدتی نیز در مدرسه‌های ثروت، علمیه، ادب، شرق، مظفری و کمالیه به تدریس دروس فارسی، فرانسه و تاریخ پرداخت و بعد از آن در فاصله سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ ش. در دارالمعلمین عالی مرکزی به تدریس دروس فرانسه و انگلیسی مشغول شد. در همان اوقات ضمن تدریس در طی سالهای ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ ش. مدیر نشریه «طوفان ادبی هفتگی» به صاحب امتیازی میرزا محمد فرخی یزدی، نیز بود.

اما بعد از آنکه داور وزیر عدلیه، در سال ۱۳۰۵ ش. مأمور اصلاح قوانین و تشکیلات عدلیه شد، شادمان را به وزارت عدلیه منتقل و او در آن وزارتخانه تصدی مشاغل مختلفی گردید. وی در سال ۱۳۰۶ ش. مدیر دفتر محاکم بدایت تهران، در سال ۱۳۰۷ معاون پارک دیوان جزای عمال دولت و در سال ۱۳۰۸ مستنطق تهران بود. یکی از کارهای مهم او در زمان تصدی این پُست، محاکمه دکتر کورت لیندنبلات بود.

دکتر کورت لیندنبلات که از ۲۰ شهریور ۱۳۰۷ ش. مدیر کل بانک ملی بود در ۸ شهریور ۱۳۱۱ به علت اختلاس و تنظیم بیلان جعلی از کار برکنار و محاکمه شد. شادمان که در این زمان مستنطق تهران بود، استنطاق از لیندنبلات و همدستانش را برعهده گرفت.

شادمان در سال ۱۳۱۱ ش. به معاونت نمایندگی دولت ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس منصوب و به آن کشور اعزام شد. وی بعد از مدتی جهت ادامه تحصیل به دانشگاه پاریس رفت و در سال ۱۳۱۴ ش. موفق به اخذ دکترای حقوق گردید و در ضمن تحصیل از سال ۱۳۱۳ ش. نماینده دولت ایران در کنفرانس تربیتی آکسفورد را نیز برعهده داشت و تا سال ۱۳۲۲ ش. در دانشکده السنه شرقی دانشگاه لندن به تدریس مشغول بود.

شادمان در سال ۱۳۱۸ ش. به کفالت نمایندگی دولت ایران در شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ارتقاء یافت. وی از ابتدای مأموریتش به انگلیس در حدود هفده سال در این کشور به سربرد و در حین مأموریت به سال ۱۳۱۸ ش. از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه لندن دکترای افتخاری گرفت. منوچهر فرمانفرمایان در کتاب از تهران تا کاراکاس، نفت و سیاست در ایران درباره مأموریت شادمان می‌نویسد: «من سیدفخرالدین شادمان را از روز اول محصلی در لندن می‌شناختم، آقای علاء سفیر کبیر سفارش کرد که من نزد او بروم و در نزدیکی او منزل کنم. من هم تا حدودی به اطلاع و دانش او آگاه شدم ولی چند سال بعد که در وزارت دارایی مشغول شدم و مکاتباتی با سیدفخرالدین داشتم، فهمیدم که او علاقه‌ای به نفت ندارد و در لندن مشغول مطالعه تاریخ و ادبیات ایران است...» و هنوز مأموریتش در انگلیس به پایان نرسیده بود که در سال



در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۳۲

در ابتدا علی اصغر پورهمایون و بعد از او شادمان از ۲۸ آبان ۱۳۳۲ تا ۱۴ آذر ۱۳۳۳ ش. به وزارت اقتصاد ملی تعیین شد. [در ترمیم کابینه سهید زاهدی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ ش. در سمت خود ابقاء شد.] همچنین بعد از کودتا ۲۸ مرداد هربرت هوور پسر رئیس جمهور سابق آمریکا برای مذاکره نفت به ایران آمد و در ۲۸ آبان ۱۳۳۲ ش. کمیونی تشکیل شد تا به پیشنهاد هوور رسیدگی شود که ریاست کمیسیون با عبدالله انتظام وزیر امور خارجه بود و اعضای کمیسیون به قرار ذیل تعیین شدند.

عبدالله انتظام وزیر امور خارجه، ابوالقاسم پناهی وزیر کار و رئیس سازمان برنامه، نصرالله جهانگیری از مدیران بانک ملی، سیدفخرالدین شادمان وزیر اقتصاد ملی و کمیبر سابق نفت، فتح الله نفیسی، حسین پیرنیا، منوچهر فرمانفرمایان: سه نفر ده سال قبل از حکومت مصدق رئیس اداره امتیازات نفت بودند و ابوالفضل لسانی که کتابی درباره نفت نوشته بود و بعد سناتور شد. و خود امینی وزیر دارایی نیز کمیونی تشکیل داد که می بایست گزارش پیشرفت مذاکرات نفت را به هیأت دولت می داد؛ زاهدی نخست وزیر نیز هم کمیونی تشکیل داده بود که مرکب از: علی سهیلی، محمد نمازی، ابوالقاسم پناهی و فخرالدین شادمان بودند که هفته ای دوبار در ساعت ۱۱ صبح تشکیل می شد تا این که مذاکرات نفت به

۱۳۳۱ ش. با فرنگیس نمازی دختر محمدجعفر نمازی در لندن ازدواج کرد.

در زمان کابینه مرتضی قلی بیات [۴ آذر ۱۳۲۳ - ۲۸ فروردین ۱۳۲۴ ش.] دولت تصمیم گرفت کمیونی برای مطالعه مشکلات ناشی از نفت را تشکیل دهد، برای این منظور شادمان را که نماینده و پانزده سال تمام در لندن معاونت کمیسیون نفت را بر عهده داشت به ریاست کمیسیون نفت منصوب کرد. بعد از آن که شادمان به ایران بازگشت، عبدالحمین هزیر وزیر دارایی و جلال شادمان برادر سیدفخرالدین شادمان معاون همزیر بود از این رو سیدفخرالدین شادمان به ریاست هیأت «کمیسیون مطالعه وزارت دارایی» منصوب شد، سپس در سال ۱۳۲۶ ش. به ریاست شرکت سهامی بیمه ایران منصوب و در کابینه عبدالحمین هزیر، از ۲۷ خرداد تا اول مهر ۱۳۲۷ ش. سمت وزارت اقتصاد ملی داشت و پس از ترمیم کابینه هزیر از اول مهر ۱۳۲۷ تا ۲۵ آبان ۱۳۲۷ ش. به وزیر کشاورزی بود. پس از وزارت در سال ۱۳۲۸ ش. به عنوان بازرس دولت در بانک کشاورزی و پیشه و هنر تعیین و در سال ۱۳۳۲ ش. به ریاست شورای عالی برنامه منصوب شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. و تشکیل کابینه سرلشکر زاهدی،

پایان رسید. پس از مذاکرات و رسیدن به پیشنهادهای هوور عده‌ای از طرف شرکت‌های بزرگ امریکایی، به ریاست «هاروارد پیچ» برای تنظیم قرارداد معروف کنسرسیوم «امینی پیچ» به ایران آمدند.

همچنین در ۹ تیر ماه ۱۳۳۳ ش. بین فخرالدین شادمان - وزیر اقتصاد ملی - و ویلیام وان رئیس هیأت عملیات اقتصادی امریکا در ایران دو موافقتنامه مربوط به تشکیل سازمان جدید صندوق مشترک توسعه امور فنی به امضا رسید.

اما مهمترین کارهای او در زمان تصدی وزارت اقتصاد ملی، تلاش در جهت تأسیس «دانشکده علوم نفت» بود. شادمان در مصاحبه‌ای به تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۳۲ ش. درباره تسریع در تصویب و تأسیس دانشکده نفت می‌گوید: برای تأسیس دانشکده نفت و تأمین هزینه مورد احتیاج آن به انحاء مختلف تحصیل اعتبار خواهم کرد و امیدوارم که دانشکده نفت ایران بتواند در آتیه مشابه با بزرگترین دانشکده‌های نفت دنیا بشود. از طرف دیگر تا هنگام تأسیس دانشکده سعی خواهد شد در برنامه تحصیلی هنرهای عالی اطلاعات بیشتری راجع به امور نفت تدریس شود، از جمله در تدریس شیمی، ماشین، الکتریسته باید سعی کرد آنچه بیشتر به قسمتهای مربوط به نفت بستگی پیدا می‌کند تدریس نمود... و در مصاحبه‌ای دیگر به تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۳۲ ش. درباره تأسیس «انستیتو اقتصادی ممالک اسلامی» و «دانشکده نفت» گفتند: «... با تأسیس این انستیتو موافقت شده و در حقیقت منظور از تشکیل آن تمرکز و تدریس اطلاعات اقتصادی راجع به کشورهای اسلامی است و قرار است تحت نظر دانشگاه تهران و در ساختمان دانشکده حقوق دایر شود و راجع به تأسیس دانشکده نفت... بنا به دستور آقای نخست وزیر مقدمات تأسیس دانشکده نفت کاملاً فراهم شده...»

شادمان پس از تصدی پُست وزارت اقتصاد ملی مجدداً در کابینه سپهبد زاهدی از ۱۴ آذر ۱۳۳۳ تا ۱۷ فروردین ۱۳۳۴ ش. به وزارت دادگستری منصوب شد و پس از سپری شدن دوره تصدی وزارت دادگستری در ۴ خرداد ۱۳۳۲ ش. از طرف دولت برای عضویت در شورای عالی بانک ملی به جای مرتضی قلی بیات (سپهسالار) - مدیر عامل شرکت ملی نفت - در نظر گرفته شد ولی پس از مدت کوتاهی به نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب و از ۱۴ خرداد ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۳۷ ش. در این سمت بود. او بعد از تولیت آستان قدس رضوی از کار دولتی و سیاسی کناره‌گیری کرد و فقط یک سال برای مطالعه علمی به دانشگاه هاروارد (امریکا) رفت و بعد از بازگشت تا آخر عمر به تدریس، درس «تاریخ اسلام» در دانشگاه تهران مشغول بود.

همچنین در ۳ / اسفند ۱۳۲۵ ش. مجمع عمومی انجمن تحصیل کرده‌های اروپا تشکیل و افراد ذیل به عضویت شورای اداری برگزیده شدند:

مهندس اسکندری، مهندس اقبال، دکتر اکبری، دکتر باهری، دکتر دادفر، دکتر شادمان، مهندس فروهر، مهندس معتمدی، دکتر موثقی، دکتر

وحیدنیا، دکتر همایونفر، دکتر هیأت، خانم ادیبی و مهندس ابراهیمی نیز به عنوان بازرس انتخاب شدند. سپس شورای اداری دکتر شادمان را به سمت دبیر، دکتر وحیدنیا را به عنوان صاحب امضا و مهندس اسکندری را به عنوان خزانه‌دار انتخاب کردند.

فخرالدین شادمان، در سال ۱۳۴۶ ش. به علت بیماری سرطان در یکی از بیمارستانهای لندن بستری بود که در روز شنبه ۷ شهریور ۱۳۴۶ ش. درگذشت و جنازه او را به ایران انتقال و در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۳۴۶ ش. در مشهد، در دارالسرور [حرم امام رضا (ع)] به خاک سپرده شد.

## تالیفات شادمان:

### ۱ - تصنیف:

کتابی بی‌نام، چاپ دوم، ۱۳۳۵ هجری شمسی، ۱۰۷ صفحه

در راه هند، چاپ دوم، ۱۳۳۵ هجری شمسی، ۸۳ صفحه

تسخیر تمدن فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۳۶ هجری شمسی، ۱۲۰ صفحه

تاریکی روشنائی، چاپ اول، ۱۳۲۹ هجری شمسی، ۳۹۳ صفحه

تراژدی فرهنگ (تهران: طهوری، ۱۳۴۶ ش) رقی، ۲۹۶ ص. [این اثر اثر اوست که چند روز پس از مرگش در تهران انتشار یافت.]

تاریکی و روشنائی، چاپ سوم، ([تهران: سنائی، ۱۳۴۴ ش] حبیبی ۶۷۲ ص.)

### ۲ - ترجمه:

تاریخ قرون جدید، چاپ دوم، ۱۳۳۵ هجری شمسی، ۴۰۲ صفحه (ترجمه از فرانسه).

ماله، آلبر، تاریخ قرون جدید، تألیف آلبرماله و ژول ایزاک، ترجمه فخرالدین شادمان، چاپ سوم (در دو قسمت) تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۳ ش، حبیبی ۲۱۵ و [۱۱۲] + ۲۹۱ ص. مصور (نشریات کمیسیون معارف).

ترجمه «گالانه» از فرانسه تحت عنوان «گالانه داستان عشق و محبت» گالانه از مصنفات فلوریان Florian نویسنده و شاعر داستان‌سرای فرانسوی است (۱۳۰۶). ترجمه «گالانه» در طوفان هفتگی در ۱۲ شماره از شماره ۵ تا شماره ۱۶ درج شده است. (۱۳۰۶)

ترجمه قسمتی از رمان آناکارنین تصنیف تولستوی در روزنامه طوفان (ترجمه از فرانسه).

### مقاله‌ها:

چندین نامه در روزنامه اطلاعات - مضمون همه انتقاد از اوضاع ایران - به صورت ترجمه مراسلاتی که مخبری خارجی درباب اوضاع و احوال ایران نوشته باشد. [این نامه‌ها قبل از عزیمت به اروپا نوشته شده است، پیش از سال ۱۳۱۱ هجری شمسی.]

- ۱۳۳۱، دی - دانشگاه قم و دانشگاههای دیگر ایران، قسمت دوم، مهر، شماره ۱۰، از ۵۷۸ تا ۵۸۳.
- ۱۳۳۱، بهمن - دانشگاه قم و دانشگاههای دیگر ایران، قسمت سوم، مهر، شماره ۱۱، از صفحه ۶۳۴ تا ۶۳۸.
- ۱۳۳۲، مهر - آبان - فرد یا اجتماع (پاسخ پنجم)، سخن، دوره چهارم، شماره ۱۱، ص ۸۴۰ - ۸۴۱.
- ۱۳۳۲، تیر - روابط و تأثیرات ادبی، یغما، سال ۶، شماره ۴، از صفحه ۱۲۹ تا صفحه ۱۳۵.
- ۱۳۳۱، تیر - روابط و تأثیرات ادبی، قسمت دوم، یغما، سال ۶، شماره ۵۰، ص ۱۷۷ - ۱۸۰.
- ۱۳۳۲، تیر - زهدگی شاه عباس اول تألیف آقای نصرالله فلسفی (تقریظ)، سخن، شماره ۸، از ۶۶۹ تا ۶۷۱.
- ۱۳۳۲، مهر - اروپا، سخن، دوره چهارم، شماره ۱۰، از صفحه ۷۹۵ - ۸۰۲.
- ۱۳۳۸، تیر - صورت و معنی، یغما، سال ۱۲، شماره ۴، از صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۵.
- ۱۳۴۰، فروردین - جویندگی در طلب کیمیای سعادت آفرین، یغما، س ۱۴، شماره ۱، از صفحه ۱ تا ۱۲.
- ۱۳۴۰، خرداد - هیچ استادی بهتر از تاریخ ایران نیست. اطلاعات جوانان، شماره ۱۲۶، صفحه ۲.
- ۱۳۴۰، مرداد - زندگی شاه عباس تألیف آقای نصرالله فلسفی (تقریظ)، سخن، دوره چهارم، شماره ۴، از صفحه ۲۵۷ تا ۲۶۲.
- ۱۳۴۰، شهریور - تراژدی فرهنگ، یغما، سال ۱۴، شماره ۶، از صفحه ۲۴۱ تا ۲۵۲.
- ۱۳۴۱، فروردین - دکتر سیدفخرالدین شادمان، راهنمای کتاب، سال پنجم، شماره اول، ص ۹۶ - ۱۰۰.
- ۱۳۴۴، مهر - قانون کبیر، س ۱۸، ش ۷، ص ۳۳۷ - ۳۴۵.
- ۱۳۴۴، آبان - قانون کبیر، س ۱۸، ش ۸، ص ۳۹۳ - ۴۰۰.
- ۱۳۴۴، آذر - قانون کبیر، س ۱۸، ش ۹، ص ۴۴۹ - ۴۵۵.
- ۱۳۴۴، دی - قانون کبیر، س ۱۸، ش ۱۰، ص ۵۰۵ - ۵۱۱.
- ۱۳۴۴، بهمن - قانون کبیر، س ۱۸، ش ۱۱، ص ۵۶۳ - ۵۶۸.
- ۲ - مراسلات و مقالات به زبان خارجی:

- 1934 August 16, Onar Dhayyam, A Persian Writers Opinion, The Times.
- 1935 August 16, Citizent Of the World, The Oxford Times.
- 1937 January, Edxation In Iran the Asiatic Review.
- 1937 August, Review Of the bood, Muhammad A Mercy To All Nations. The Naft Magazine.
- 1934 February, Muhammad and his Mission The Islamic Review Vol.

- ۳ - مقالات به زبان فارسی [بارعایت تقدم تاریخی]
- ۱۳۰۵، خرداد - از فرشته بهتر، نخستین مقاله اوست که در جراید انتشار یافته به امضای آموزگار در روزنامه اقدام.
- ۱۳۰۶، بهمن - عظمت ایران، طوفان هفتگی، شماره ۱، صفحه ۳ و صفحه ۴.
- ۱۳۰۶، اسفند - چگونه باید نوشت، طوفان هفتگی، شماره ۲، صفحه ۳ و ۴ و ۵.
- ۱۳۰۷، خرداد - انتقاد، طوفان هفتگی، شماره ۱۵، صفحه ۱.
- ۱۳۰۷، خرداد - انتقاد، قسمت دوم، طوفان هفتگی، شماره ۱۷، صفحه ۳ و ۲.
- ۱۳۰۷، خرداد - ماه خاموش می شود، طوفان هفتگی، شماره ۱۷، صفحه ۴.
- ۱۳۰۷، آذر - دستور زبان فارسی، طوفان هفتگی، دوره جدید، شماره ۱۴، صفحه ۶.
- ۱۳۰۷، آذر - دستور زبان فارسی، قسمت دوم، طوفان هفتگی، دوره جدید، شماره ۱۵، صفحه ۲.
- ۱۳۰۷، دی - دستور زبان فارسی، قسمت سوم، طوفان هفتگی، دوره جدید، شماره ۱۶، صفحه ۲ و ۳.
- ۱۳۰۷، دی - آئینه دل، طوفان هفتگی، شماره ۱۶، دوره جدید، صفحه ۵.
- ۱۳۰۷، دی - غروب ستاره زمین، طوفان هفتگی، شماره ۱۸، صفحه ۳.
- ۱۳۰۷، دی - آگهی، طوفان هفتگی، شماره ۱۹، صفحه ۲.
- ۱۳۰۷، بهمن - طرز نگارش در مدارس، طوفان هفتگی، شماره ۲۱، صفحه ۱.
- ۱۳۰۷، بهمن - دو برادر عاشق، طوفان هفتگی، شماره ۲۲، صفحه ۳ و صفحه ۴.
- ۱۳۰۷، بهمن - مقاله بی اساس، طوفان هفتگی، شماره ۲۳، صفحه ۱ و صفحه ۲.
- ۱۳۱۶، بهمن و اسفند - نام بلند سعدی، تعلیم و تربیت، شماره ۱۱ و ۱۲ از صفحه ۶۷۰ تا ۶۸۰.
- ۱۳۲۷، فروردین - سفیری که سفیر نبود (یک صفحه از تاریخ روابط ایران و انگلیس)، اطلاعات ماهانه، ج ۱، شماره ۱، صفحه ۱۸ - ۱۹.
- ۱۳۲۸، دی - وزیران ما فارسی نمی دانند، یغما، سال ۲، ش ۱۰، ص ۴۸۰ - ۴۸۱.
- ۱۳۲۹، مرداد - علت جهل، صبا، شماره ۱۸، صفحه ۵.
- ۱۳۳۱، شهریور - درس اول، یغما، سال پنجم، شماره ۶، ص ۲۴۱ - ۲۴۹.
- ۱۳۳۱، مهر - درس اول، قسمت دوم، یغما، سال پنجم، شماره ۷، ص ۲۸۹ - ۲۹۶.
- ۱۳۳۱، آبان - درس اول، قسمت سوم، یغما، سال پنجم، شماره ۸، ص ۳۳۷ - ۳۴۴.
- ۱۳۳۱، آذر - دانشگاه قم و دانشگاههای دیگر ایران، مهر، شماره ۹، از صفحه ۵۲۳ تا ۵۲۲.



XX VII No. 2.

1934 September, A Review Of Anglo - Persian Relations 1798 - 1815.

Lecture delivered before the Iran Society on September 23, 1943. Proceedings Of the Iran Society Vol. II. Part 4/

1946 September 16. Standard Of English. The Times.

1945 Mars 18, L, Iran Définit Sa Politique, L, Information.

## منابع و مآخذ

در قسمت نخستین ذکر منابع، جهت تدوین زندگینامه رجال مورد نظر منابع و مآخذی معرفی می‌گردد که برای تمامی افراد از آن منابع استفاده شده و در قسمت دوم از ذکر منابع، برای هر یک از رجال به طور جداگانه منابع و مآخذ مربوط به هر فرد ذکر شده است.

۱ - زرغام بروجنی، جمشید، دولت‌های عصر مشروطیت، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰ ش.

۲ - عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد اول و دوم، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۲ ش.

۳ - عاقلی، باقر، نخست وزیران از مشیرالدوله تا بختیار، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰ ش.

۴ - سیبسی، احمد، سی و هفت سال، چاپ چهارم، تهران، انتشارات شباویز، ۱۳۶۷ ش.

۵ - شجعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج سوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۳ ش.

۶ - ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، سه جلد، انتشارات مؤسسه اطلاعات.

۱۳۸ - رئیس، محسن

۱ - مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی رزم‌آرا، تهران: انتشارات پاسارگاد، ۱۳۷۲ ش، چاپ پنجم ص ۲۷ - ۲۸.

۲ - سالنامه دنیا، سفیرگیر ایران در لندن، سومین سالنامه، شماره ۳، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۳.

۳ - قاسمی، ابوالفضل، سیاستمداران ایران در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا (بخش نهم)، سال نوزدهم، شماره ۱ - ۳، (فروردین تا خرداد ۱۳۷۲ ش.)، ص ۷۴ - ۷۵.

۴ - فرمانفرمایان، منوچهر و رُحسان فرمانفرمایان، خون و نفت، خاطرات یک شاهزاده ایرانی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷ ش، ص ۹۹ - ۱۲۷ - ۱۲۸.

۵ - فرمانفرمایان (رئیس)، مهرماه، زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ۲ جلد، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۷ ش.

۶ - لویی رابینو، دیپلماتها و نمایندگان کنسولهای ایران و انگلیس، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۲۰ - ۲۲۲ - ۲۲۸ - ۲۳۰ - ۲۳۱.

۷ - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹ ش، ص ۵ - ۱۰ - ۲۲ - ۲۳ - ۳۹ - ۵۱ - ۵۵ - ۵۶ - ۷۷ - ۱۱۱.

۸ - فرهنگ قهرمان، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه از ۲۵۰۸ تا ۲۵۳۶، تهران: انتشارات مجلس شورای ملی، ۲۵۳۶، ص ۳۶۸ - ۳۷۹ - ۳۸۹ - ۳۹۹.

۹ - رئیس، محسن، ورود ریل‌های راه‌آهن برای رضاشاه یک مژده بود، روزنامه رستاخیز، شماره ۴۰۴، دوشنبه ۸ شهریور ۲۵۳۵، ص ۱۳.

۱۰ - آرشیو روزنامه اطلاعات، شماره ۲۷۶.

۱۱ - آرشیو روزنامه کیهان، شماره ۳۱.

۱۲ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست وزیری، شماره ۱۰۲۰۰۱ - پاکت ۳۶۷ و شماره ۱۰۲۰۰۶ - پاکت ۹۱۳.

۱۳۹ - سپهبدی، انوشیروان

۱ - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، همان، ص ۵ - ۲۰ - ۲۴ - ۳۴ - ۴۷ - ۵۵ - ۶۹ - ۷۵ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲.

۲ - فرهنگ قهرمانی، همان، ص ۳۳۳ - ۳۳۴.

۳ - لویی رابینو، همان، ص ۲۲۰ - ۲۲۴ - ۲۲۶ - ۲۲۸ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲.

۴ - میرزاهدی خان متحن الدوله شفاقی و میرزاهاشم خان، رجال وزارت امور خارجه در عهد ناصری و مظفری، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۴۳ - ۱۴۴.

۵ - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج۱، ج۲، از تاریخ معاصر ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰ ش، ص ۳۶۸.

۶ - قاسمی، ابوالفضل، همان، ص ۷۸.

۷ - سپهبدی، انوشیروان، ماجرای دوپست تومان خرج سفیر ایران در سوئیس، سال ۱۳۴۰، ۱۷، ص ۸۲ - ۸۳ - ۸۴.

۸ - سپهبدی، انوشیروان، ملاقات و مذاکرات با مارشال پین، سال ۱۳۴۱، ۱۸، ص ۱۲۳ تا ۱۲۹.

۹ - سالنامه دنیا، خیره، نخستین سالنامه دنیا، سال ۱۳۲۴ ش، ص ۱۰.

۱۰ - آرشیو روزنامه اطلاعات، شماره ۳۲۳.

۱۱ - آرشیو روزنامه کیهان، شماره ۱۷.

۱۲ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست وزیری، شماره ۱۱۳۰۱۳، پاکت‌های

۶- یغمایی، حبیب. خاطرات مدیر مجله یغما، آینده، سال هفتم، شماره هشتم، (آبان ۱۳۶۰ ش.)، ص ۶۰۷.

۷- فرمانفرمایان، منوچهر. از تهران تا کاراکاس، نفت و سیاست در ایران، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۳ ش، ص ۵۶- ۲۴۱- ۲۴۲- ۲۹۸- ۷۳۳- ۷۴۱.

۸- برزین، سعید. شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ ش، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۸۵.

۹- نشریه وحید. اخبار ماه، وحید، سال چهارم، شماره ۴، شماره مسلسل ۴۰، (فروردین ۱۳۴۶ ش.)، ص ۳۷۷.

۱۰- معراجی، شیرین. فهرست موضوعی مجله یغما، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶ ش، چاپ دوم، ص ۱۲۴- ۱۴۰- ۱۴۹- ۱۵۴- ۱۶۵.

۱۱- عالم مروستی، شهلا. فهرست مجله سخن، جلد اول، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴ ش، ص ۱۹۰.

۱۲- نبی‌آدم، حسین. کاتبشناسی موضوعی ایران، سالهای ۱۳۴۸- ۱۳۴۳ ش، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ ش، ص ۵۰۵، ۶۱۴.

۱۰۱۷۸- ۱۰۶۱۸- ۱۰۶۱۹- ۱۴۲۵. شماره ۹- ۱۱۶۱۰۷، پاکت ۱۴۶۷- شماره ۱۱۳۰۱۸، پاکت ۱۲۵۹۸. شماره ۱۰۵۰۰۱، پاکت ۴۷۳.

۱۴۰- شادمان، سیدفخرالدین [دکتر]

۱- شادمان، سیدفخرالدین، دکتر سیدفخرالدین شادمان [به قلم خودش]، راهنمای کتاب، سال پنجم، شماره اول، فروردین ۱۳۴۱ ش، ص ۹۶- ۱۰۰.

۲- خدایار محبی، منوچهر (م-خ-م). فخرالدین شادمان زندگی و آثار او، وحید، سال چهارم، شماره مسلسل ۴۶، (مهرماه ۱۳۴۶ ش.)، ص ۸۷۳- ۸۷۵.

۳- نشریه راهنمای کتاب. وفات دکتر سیدفخرالدین شادمان، راهنمای کتاب، سال دهم، شماره سوم، (شهریور ۱۳۴۶ ش.)، ص ۳۲۴.

۴- افشار، ایرج. یادبود، وفات دکتر سیدفخرالدین شادمان، راهنمای کتاب، سال دهم، شماره چهارم (آبان ۱۳۴۶ ش.)، ص ۴۳۵ تا ۴۳۸.

۵- یغمایی، حبیب. وفات معاصر، دکتر سیدفخرالدین شادمان، سال بیستم، شماره پنجم، شماره مسلسل ۲۲۹، (مرداد ماه ۱۳۴۶ ش.)، ص ۲۷۹- ۲۸۰.

